

درد و رنج بی نهایت، اما مقاومت و مبارزه تا به آخر! صفحه ۵	یک شب تا صبح با زنان کارتن خواب تهران صفحه ۶	از نامه های رسیده صفحه ۹	از هر دری سخنی صفحه ۹	در جنبش جهانی کارگران صفحه ۱۸	رابطه مکمل میلیتاریسم راس نظام با فاز فعلی جهانی گرانی سرمایه به ویژه در آفریقا صفحه ۱۸	به خدمت نظامی در آوردن مدارس دولتی در ایالات متحده صفحه ۱۸
--	---	-----------------------------	--------------------------	----------------------------------	--	---

دو جهان بینی متضاد: اتکاء به خود یا به دیگران؟

اگر به وضعیت مادی زنده گی طبقه کارگر و به طور ویژه تنگ دستیهای مبارزان سیاسی آن در ایران نظریباندازیم، دیدن و دریافتن عسرت عظیمی که ناشی از مزد اندک، بیکارسازی، دیر پرداختن چند ماهه و حتا چند ساله ی مزدها، مشکلات بیمه و درمان و غیره چنان زنده گی جهنی را برای کارگران به وجود آورده که به خصوص کارگران مبارز زندانی و خانواده شان در غیر انسانی ترین وضعی بسر می برند و نیازشان به حداقل پول برای زنده گی بخور و نمیر خانواده شان قلب هر انسان شرافتمندی را به شدت به درد می آورد. با وجود این طبقه کارگر کاسه گدائی به سوی دشمنانش دراز نمی کند!

سرمایه داران اعم از وطنی و یا خارجی و مشخصا انحصارگران امپریالیست ضمن این که در تلاش برای بلعیدن هر چه بیشتر

ثمرات کار کارگران جهان و در عین حال جلوگیری از رشد مبارزه طبقاتی آنان و ایجاد تفرقه در صفوف کارگری در میدانهای بی رحم تولیدی هستند، و به این اعتبار خورجین گدائی شان از ثمره کار گارگران هیچ گاه پُر نمی شود، با تشدید استعمار طبقه کارگر سرمایه های شان را به حد بی سابقه ای افزایش داده اند. اینان در بیش از ۱۰۰ سال اخیر نه تنها از طریق تطمیع برخی کارگران و تبدیل آنان به کارگران یقه سفید در خدمت نظام سرمایه داری و سپس شیوع دادن فرمیسم در مبارزه طبقاتی کارگران اختلاف و انشعاب بزرگی را در صف مبارزاتی واحد طبقه کارگر بوجود آوردند، بلکه در ادامه ی توطئه چینی، این گران درنده ضدانقلابی با درآمدن در لباس میش و ایجاد نهادهائی نظیر "سازمانهای غیردولتی" و خریدن برخی از

بقیه در صفحه دوم

تجزیه کشورها توسط امپریالیستها و رد سیاست بی عملی!

همان طور که "انقلابات نارنجی" پس از آماده سازی از جانب امپریالیستها و نوکران بومی آنان به ناگاه شروع شده و در میان مردم چین و انمود می کردند که خبری شده است در جهت تغییر و هرکس به آن نپیوندد "کلاش پس معرکه خواهد ماند"؛ بدین ترتیب "رژیم پنج" ها به راحتی صورت گرفته، و این امر در کشورهای سابقا سوسیالیست باموفقیت به سود جناح وابسته به ضدانقلاب منجر شد؛ اما در کشورهای خاورمیانه، به دلیل نفوذ مذهب و تعصبات دینی با رنگ و لعابی دیگر راه حل نوع "داعشی" پیش کشیده شده است!!

تجزیه کشورها به واحدهای کوچک تر نژادی، دینی، ملی برای حفظ سلطه ی طولانی مدت سرمایه های انحصاری جهانی از هر نظر مناسب است، چون که امکان پیروزی انقلاب را در کشوری کوچک

در برابر امپریالیسم و سگان زنجیری داخلی اش با هزاران مشکل تفرقه در صف واحد طبقه کارگر روبه رو می کند.

در این جا نیز ما با انواع جهان بینی بنیادا متفاوت روبه رو می شویم: طبقه کارگر که عزم رهائی از زیر استعمار و ستم طبقاتی، ملی، نژادی جنسیتی، مذهبی را داشته و بیش از ۱۶۵ سال پیش با شعار: "کارگران تمامی کشورها متحد شوید!" آن را به جهانیان اعلام داشته، و پیوسته محکم به دست گرفته و با تمام وجود در تلاش برای پایان دادن به این محتتهای طبقاتی عفریت مالکیت خصوصی و استعمار انسان از انسان تر اش به نبرد پرداخته است. اما در مقابل استعمارگران جهانی و ملی در تلاش برای افزودن به ثروت خویش راه "تفرقه بیانداز و حکومت کن!" را از طریق استعمار کهن و نو، جنگهای تجاوزکارانه، به

بقیه در صفحه سوم

جنایات صهیونیست ها علیه مردم فلسطین تداوم می یابد!

در چند روز گذشته دولت صهیونیستی اسرائیل بار دیگر با تمام نیروی آتشباری، شهر غزه را با موشک ها و راکت ها، بمب های هوائی زمینی و دریائی مورد تهاجم قرار داده و تا به حال بیش از ۵۰۰ نفر کشته و بیش از ۲۰۰۰ نفر زخمی شده اند و با تهدید حمله به غزه، این تعداد به شدت افزایش خواهد یافت. بیش از ۷۰٪ کشته شده گان را زنان و کودکان و مردم غیر نظامی شامل می شوند صدها خانه ویران شده است. بر طبق روال گذشته دولت اسرائیل مسئله را تروریست بودن حماس و مقصر بودن آن نیرو در کشتن سه جوان اسرائیلی مطرح کرده که هیچ دلیل اثباتی برای آن نداشته و با سوء استفاده از این موضوع منطقه غزه را مورد شدید ترین تهاجمات نظامی

بقیه در صفحه چهارم

شاگردان عقب مانده نظام سرمایه داری مدافعان خصوصی سازیها هستند!

اگر به تاریخ رشد سرمایه داری در جهان نگاه کنیم، می بینیم که سرمایه داری در ابتدا از خصوصی بودن حرکت کرد و طبق ماهیت «یا سرمایه خود را بیافزا، یا بمیر!» تا حدی که سرمایه فردی امکان رشد داشت به حرکتش ادامه داد. ولی قانون رقابت سرمایه ها که آن نیز ذاتی سرمایه داری می باشد، سرمایه داران را مجبور به ایجاد شرکتهای سهامی نمود که نهایتا به انحصارات غول پیکر تبدیل شدند و بالاخره آخرین رشد سرمایه داری در کسب سود بیشتر، به تمرکز سرمایه در دست دولت و به وجود آمدن شرکتهای انحصاری دولتی منجر گشت، چون که به انجام رساندن برخی پروژه های بزرگ نیاز

بقیه در صفحه چهارم

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

دو جهانی بینی... بقیه از صفحه اول

فعالان کارگری، تفرقه را هرچه گسترده تر در جنبش کارگری جهان سازمان داده اند. از قدیم بر اساس تجربه مردم فارس زبان ضرب المثل "سلام گرگ بی طمع نیست!" رهنمود درستی در مبارزه طبقاتی بوده است که باید آن را دائما آویزه ی گوش نمود و بادیدی مافوق طبقاتی به ابراز حمایت طبقه استثمارگر از طبقه زیر استثمار نگاه نکرد. کمونیسم علمی این واقعیت را بر اساس تحلیلی علمی از روابط و مناسبات و موضع طبقاتی چنین فرمولبندی می نماید:

"پراتیک اجتماعی انسان فقط به فعالیت تولیدی محدود نمی شود، بلکه دارای اشکال متعدد دیگری است: مبارزه طبقاتی، زندگی سیاسی، فعالیت علمی و هنری - در یک کلام، انسان به مثابه یک موجود اجتماعی در کلیه شئون زندگی عملی جامعه شرکت می کند... در بین این انواع پراتیک اجتماعی، به ویژه مبارزه طبقاتی هر فرد به مثابه عضوی از یک طبقه معین زندگی می کند و هیچ فکر و اندیشه ای نیست که بر آن مظهر طبقاتی نخورده باشد." (مائوتسه دون - درباره تضاد) - تکیه روی کلمات از ما است.

بر این اساس مائو سیاست پرولتاریا در پیشبرد مبارزه طبقاتی را چنین فرمول بندی کرد: "سیاست ما باید بر چه اساسی مبتنی باشد؟ سیاست ما باید بر اساس نیروی خودمان مبتنی باشد - این به معنای اتکاء به نیروی خوداست. ما تنها نیستیم؛ تمام کشورها و خلقهای جهان که علیه امپریالیسم می رزمند، دوستان ما هستند. معهذا ما روی اصل اتکاء به نیروی خود تاکید می کنیم. ما با اتکاء به نیروی متشکل خود می توانیم کلیه مرتجعین داخلی و خارجی را درهم بکوبیم." (مائو تسه دون - وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه ژاپون - ۱۳ اوت ۱۹۴۵، آثار منتخب، جلد ۴ - ص ۲۹)

جال ببینیم در صحنه ی مبارزه طبقاتی ایران چه می گذرد و جهان بینی پرولتاریائی در مقابل جهان بینی خرده بورژوائی در این مورد چه گونه قد علم کرده است.

کارگران آگاه سربلند ایران حدود یک دهه ی پیش در جریان ایجاد سازمانهای سندیکائی تاکید را بر این گذاشتند که مسائل مالی مربوط به مبارزات کارگری را با تکیه به نیروی خود باید پیش ببرند و از گرفتن کمک از تشکلهای مشکوکی نظیر سولیداریتی سنتر قاطعانه اجتناب ورزیدند. پس از به راه انداختن جریان مسخره ای از جانب نیروهای بورژوائی در خارج

از کشور و کشاندن حلقه ی ضعیف کارگری در قامت اسانلوی رفرمیست به سوی خود تلاش کردند تا با شندرغاز از میلیاردها پولی که از استثمار طبقه کارگر به جیب زده اند و قول دادن آن به اسانلو تحت عنوان "کمک به کارگران نیازمند" و تبلیغ راه سازش طبقاتی توسط اسانلو با گفتن این که برای سرمایه داران مسائل انسانی بالاتر از مبارزه طبقاتی قرار دارد، تلاش نموده و می نمایند که در مبارزه طبقاتی رو به رشد جنبش کارگری ایران خللی ایجاد نموده و آن را به تفرقه بکشاندند و جای پائی برای خود دست و پا کنند. صدای پرصلابت کارگران آگاه از درون زندان و با لبی تشنه، شکمی گرسنه و درد کمر و گردن به شدت آزار دهنده و در اعصاب غذا و افتادن به بی هوشی بعد از بیش از ۴۵ روز اعتصاب غذا، به حق فریاد برمی آورند که پول کثیفی که از استثمار کارگران توسط سرمایه داران برای خریدن و به زیر سلطه ی خود کشاندن کارگران اهداء می شود، نباید گرفت و کارگران قادر به حل مشکلات مالی شان از طریق تکیه به طبقه ی خود به مثابه راه حل اصلی و به دوستان خود به مثابه راه حل فرعی می باشند.

اما در این میان احزاب و سازمانهایی هستند که با تکیه به نیروهای بورژوائی، صهیونیستی و امپریالیستی نیازهای خود را از جمله در عرصه ی تبلیغاتی برآورده می سازند بدون این که لحظه ای در این امر شک کنند که این دشمنان خونخوار هرگز و هرگز در خدمت کمک رسانی به رشد جنبش کارگری و کسب قدرت توسط کارگران و زحمت کشان که گورکنان تاریخی آنانند، نیستند و با این کمک از هم اکنون در صفوف نیروهای سیاسی عوامل خود را رخنه می دهند تا بتوانند به موقع از آنان جهت ضربه زدن به جنبش انقلابی کارگران سوء استفاده ببرند. آیا داستان لخ والسا در راس جنبش کارگری در لهستان نمونه ی عبرت آمیز این واقعیت نیست؟! آیا انفجار "حزب کمونیست کارگری ایران" به دلیل وابسته گی مالی به مرتجع ترین دولتهای سرمایه داری جلو چشممان نیست؟!!

اکنون دوجهان بینی طبقاتی انقلابی و غیر انقلابی در ایران در برابر هم قرار گرفته اند و اگر طبقه کارگر آگاه پرچم دار خط سیاسی تکیه به نیروی خود است، افرادی از رهبری احزاب و تشکلهای چپ که ادعای کمونیست بودن و همراه طبقه کارگر بودن را می کنند، و سیاست اپورتونیستی خرده بورژوائی سازش با ضدانقلاب را برای حل

مشکلاتشان پیش می برند، فرصت طلبانه دست کمک به سوی دشمنان طبقه کارگر دراز می کنند، امری که ماهیت منززل طبقاتی آنان را برملا می کند.

درد گرم و پرشورما به پیشروان طبقه کارگر که اعتماد عمیقی به توانائی صف عظیم کارگری در جهان در حل مشکلات خود با تکیه به نیروی خود داشته و سربلندانه با قاطعیتی تمام و کمال، گدائی از دشمنان طبقه کارگر را رد می کنند. برای جانداختن این روحیه در جنبش کارگری و جنبش نیروهای چپ مبارزه را ادامه دهیم. نگذاریم برخی در لفافه ی دفاع از طبقه کارگر وارد دریوزه گی در آستانه ی غدارترین دشمنان این طبقه گردند.

تفسیر روز -

هینت تحریریه رنجبر

۲۰ تیر ۱۳۹۳



با قدردانی از کمهای
مالی رفقا و دوستان
به حزب ذکر این
نکته را ضروری
می دانیم که تکیه
ی حزب به اعضاء
وتوده ها در پیشبرد
مبارزه طبقاتی،
روشی انقلابی و
پرولتاریائی است
در حفظ استقلال
سازمانی و جدا
نشدن از طبقه کارگر
و توده ها

بینش طبقه کارگر در مبارزه اش اساسا تکیه به نیروی خوداست!



تجزیه کشورها توسط ..بقیه از صفحه اول

راه انداختن کودتاهای خونین، محاصره ی اقتصادی کشورهای ضعیف و سازمان تراشیهای نوع رفرمیستی و "غیردولتی" و غیره پیوسته ادامه داده اند و در قرن ۲۱ ام نیز راحت ترین راه سلطه یابی برکشورها را درتجزیه آنها به بهانه ی تضادهای داخلی موجود در عرصه های نظیر دشمن تراشی ملی، مذهبی و بهانه های دیگری درپیش گرفته اند. پس از دخالت در حرکتی که به نام "بهار عربی" معروف شدند، این سیاست ضدانقلابی امپریالیستها در سوریه با مقاومت داخلی روبه روشد و نقشه تقسیم و تجزیه آنها باشکست روبه روگشته و هنوز تحقق نیافته است. اما در عراق به دلیل وجود یک دولت پوشالی و فاسد شیعی، امپریالیستها زمینه را برای پیش روی سیاست تجزیه کشورعراق مساعد دیدند و توانستند به دست نیروهای مرتجع سنی عراقی که از کمکهای بی دریغ کشورهای مرتجع عربی نظیر عربستان سعودی، قطر و امارات متحده برخوردار بودند و درسوریه تحت عنوان ایجاد "دولت اسلامی عراق و شام" درسالهای اخیر با دولت سوریه جنگیده بودند و دراین ماجرا بقایای رژیم صدام حسین نیزاین حرکت را برای پیش روی درعراق مناسب تشخیص دادند، بخش بزرگی از عراق را درغرب و شمال غربی به تصرف خویش درآوردند.

درجریان این حرکت سازمان داده شده توسط مرتجعان داخلی و جهانی حاکمان کردستان عراق نیز اوضاع را برای گسترش مرزهای کردستان درمناطق که هنوز کرد نشین بوده ولی تحت نفوذ آنها درنیامده بودند مناسب تشخیص داده و اخیرا نیز تصمیم گرفتند با برقراری یک همه پرسی درکردستان عراق درطی ماههای آینده روی امر جدائی از عراق و ایجاد دولت مستقل تصمیم بگیرند که کاملا با دیدگاه استراتژیکی امپریالیستها درتقسیم کشورها هماهنگ می باشد. مع الوصف، جان کری وزیر امورخارجه آمریکا درسفری به کردستان جهت استقرار ۳۰۰ نفر از مشاوران نظامی درآن جا، و احتمالا جلوگیری از اعلام زودرس تجزیه عراق قبل ازآماده شدن شرایط مناسب تر را گوشزد نموده است. ضمن این که دولتهای ایران و ترکیه چنین روی دادی را خطری برای تجزیه کشورخود می دانند.

بدین ترتیب سیاست تجزیه عراق به سه بخش کردنشین، شیعه نشین و سنی نشین

قدم به قدم با سیاست "یک گام به پیش دوگام به پس" پیش برده می شود. عدم بررسی حرکتی داخلی نیروهای موجود درعراق درپرتو این سیاست امپریالیستها و به ویژه درشرایطی که نیروهای پیشرو طبقه کارگر کمونیست در راس حرکتی توده ای قرار ندارند، به طور قطع کار را به ذهنی گرائی خواهد کشاند. چون که درشرایط فقدان حزب کمونیست قوی درعراق که مورد حمایت طبقه کارگر کلیه دستجات قومی، ملی باشد، هرگونه تعبیر در وضعیت جغرافیایی آن کشور به دلیل قراردادن ابتکار عمل در دست امپریالیستها، به سود نیروهای امپریالیستی و مرتجع داخلی تمام خواهد شد. دراین میان ممکن است نیروهایی از به خصوص ملت کرد یا چپ ادعا کنند که مگر سیاست "حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل" را کمونیستها سالیان سال مورد دفاع قرار نداده اند؟ بنابراین حرکت نیروهای کرد درعراق دایر بر اعلام استقلال هیچ منافاتی با این دیدگاه ندارد!

اما جواب به این ادعا ساده است: هر شعاری با حرکت تاریخ به پیش، تکامل می یابد. اگر شعار تشکیل دولتهای ملی در زمانی که رهائی از بورژوازی و فنودالیسم کشوری و استعمار و وابسته گی به امپریالیسم و وجود قطب سوسیالیسم درجهان، و کسب حقوق دموکراتیک تا میزانی حقانیت داشت. امروز با جهانی شدن هرچه بیشتر مناسبات سرمایه داری و تضعیف روز افزون سرمایه های ملی که تاحدی درگذشته درتضاد با سرمایه های انحصارات امپریالیستی قرار داشتند، استقلال کشورها که زمانی با حمایت کشورهای سوسیالیستی ممکن بود ازبین رفته و لذا امر رهائی ملی به دست با کفایت طبقه کارگر درسطح کشوری و جهانی ممکن است که به جای تجزیه صفوف خودش در هرکشور ضمن به رسمیت شناختن حقوق ملی، اتحاد آزادانه، داوطلبانه و احترام متقابل و حقوق برابر ملتها بر اساس اتحاد کارگران و زحمت کشان کشور را متحقق می سازد و به جای ایجاد دشمنی ملی دوستی و رفاقت ملی و حتا جهانی را قرار می دهد. بدین ترتیب حق جدائی را طبقه کارگر هر ملیت تحت ستم تعیین می کند و نه بورژوازی و یا خرده بورژوازی و فنودالی آن! که این روزها به طور تنگاتنگی وابسته به امپریالیسم می باشند. بنابراین هم صدا شدن با تجزیه کشورها - آنهم بادست مرتجعترین نیروها در هرکشور - هم صدا شدن با امپریالیستهاست. برای مقابله با این سیاست ضدانقلابی نیز راهی جز وحدت

ک. ابراهیم - ۲۰ تیر ۱۳۹۳



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

بینش طبقه کارگر در مبارزه اش اتحاد اصولی و بینش سرمایه داری تفرقه اندازی است!

جنایت صهیونیست ها... بقیه از صفحه اول

قرار داده است. این جنایات بی رحمانه صهیونیست ها به طور دائم چه در گذشته و چه در وضعیت اخیر از طرف دولتمردان آمریکائی مورد پشتیبانی قرار گرفته است. جنایاتی از این دست توسط دولت اسرائیل نه اولین و نه آخرین آن ها خواهد بود. از زمان بوجود آمدن دولت اسرائیل، صهیونیست ها اشغال تمامی سرزمین های فلسطینی ها را در دستور کار خود داشته اند و آنرا در شرایط مختلف سیاسی با کمک امپریالیست ها به پیش برده اند که نشان واضحی است از جباریت نظام سرمایه داری جهانی.

در شرایطی که امپریالیست ها با کمک مرتجعین اسلامی و صهیونیست ها، خاورمیانه را به کشمکش های بی پایان خونین مذهبی، ملی، عشیرتی و ایجاد نفرت های کور انسانی کشانده اند و اکثر کشورهای خاورمیانه را به بی ثباتی سیاسی - اقتصادی و یا تهی کردن صندوق های پولی سوق داده اند و تقریباً بیشتر نیروهای مدافع جنبش های رهائی بخش از جمله فلسطین را درهم شکسته و یا به تحلیل برده و به حاشیه رانده اند. حمله کنونی آنهم در حالیکه خود جنبش فلسطین به دو بخش جدا شده توسط الفتح و حماس تبدیل شده است می تواند به اضمحلال بیشتر جنبش فلسطین و تشدید اشغالگری علیه سرزمین های بیشتر فلسطین توسط اسرائیل بیانجامد.

مبارزات ملت فلسطین برای احقاق حقوق حقه خود در چند دهه اخیر نشان داده است که سرنوشت این جنبش با جنبش آزادی خواهی و رهائی بخش و عدالت خواهی حداقل در منطقه خاورمیانه پیوند تنگاتنگی پیدا کرده است و به همین دلیل درهم شکستن دولت ها و نیروهای سکولار خاورمیانه و فروپاشی کشورهای عمدتاً عربی و تبدیل آنها به جوامع کوچک حاشیه ای جهان کنونی طرح های گوناگونی است که صهیونیست ها با همراهی امپریالیست های غربی و دولت های مرتجعی نظیر عربستان سعودی به طور پیگیر دنبال کرده اند. موفقیت در پیشبرد این طرح ها با شرایط کنونی خاورمیانه این امکان را به دولت اسرائیل داده است که بدون توجه به افکار عمومی بین المللی و نیروهای مترقی جنایات بی حد و حساب خود را علیه مردم فلسطین و دیگر خلق های خاورمیانه به پیش برده و خود را ملتزم به جوایگوی قراردادهای بین المللی، نمی داند. نکات دیگری در این حملات افسار گسیخته علیه غزه وجود دارد از جمله تشدید آشفته

در جنبش فلسطین و جدائی بیشتر بین دو جریان سیاسی حماس و الفتح و به پاسیویته کشانده شدن نیروهای سکولار و تقویت نیروهای مذهبی درون این جنبش. این سیاست کاملاً با روند اسلامیزه کردن سیاسی خاورمیانه و تشدید درگیری های مذهبی بین شیعه و سنی و... همخوانی داشته و منافع نه تنها سیاسی دولت ها و نیروهای مرتجع منطقه بلکه کمپانی های بزرگ فراملی نفتی و غیره را هم تامین می کند. در این کشاکش های سیاسی، نیروی های عمده ای که در جلوی جبهه این نبرد قرار گرفته اند مردم فقیر و زحمت کش هستند. حمله کنونی به غزه و کشتار مردم بی دفاع مجدداً نشان داد که نیروی عظیم مردم که در آگاهی و متشکل بودن می توانند پوزمه مرتجعین و امپریالیست ها را به خاک بمالند ولی در پراکندگی و ناآگاهی به گوشت دم توپ دیگران تبدیل می شوند. صحنه های کشتار مردم غزه احساس هر انسانی را جریحه دار می کند ولی این احساس خشم و نفرت برای تغییر دنیای کنونی کافی نیست. این احساس باید به یک نیروی محرک و فعال در جهت ایجاد یک قطب مترقی و پیشرو (مرکب از کارگران و زحمت کشان فلسطینی و اسرائیلی) تبدیل شود تا بتواند دنیای پُر از رنج و محنت کنونی برای خود و بشریت را از پایه و اساس تغییر دهد.

حزب رنجبران ایران کشتار مردم فلسطین را قاطعانه محکوم می کند و خود را در مبارزه آنان برای رهائی و عدالت اجتماعی شریک می داند.

ننگ و نفرت بر رژیم جنایتکار متجاوز و اشغالگر صهیونیست اسرائیل زنده باد جنبش انقلابی مردم فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم و در دفاع از حق تعیین سرنوشت و عدالت اجتماعی خویش

حزب رنجبران ایران

۲۰ تیرماه ۱۳۹۳



شاکردان عقب مانده... بقیه از صفحه اول

به چنان سرمایه هائی داشت که سرمایه خصوصی حتماً در سطح شرکتهای انحصاری قادر به تامین آن نبودند و بدین ترتیب سرمایه داری دولتی عالی ترین مرحله ی رشد نظام سرمایه داری گشت.

اگر باز هم به تاریخ نگاه کنیم نظام سرمایه داری در ایالات متحده آمریکا اوج عمل کرد سرمایه های خصوصی را نشان می دهد و

هم اکنون می بینیم که این کشور یکی از عقب افتاده ترین کشورهای پیشرفته سرمایه داری در عرصه ی عدالت اجتماعی است که در چنبره ی سرمایه های خصوصی در بحران سختی بسر می برد و لذا نظام سرمایه داری خصوصی نمونه ای پیش رفته در درون نظام سرمایه داری نیست و وضعیت اسف انگیز رفاه اجتماعی مردم آمریکا را که هنوز از داشتن بیمه ای اجتماعی محرومند و دهها فساد اجتماعی دیگر نشان می دهند که خصوصی سازی نمونه مثبت راه حل پیشروی نظام سرمایه داری نیست.

اما در ایران که به علت وجود دولت متمرکز پادشاهی از ۲۵۰۰ سال پیش فعالیتهای اقتصادی کشور در دست پادشاه متمرکز بوده، در واقع دولت تا به امروز نقش هدایت بزرگ ترین بخش اقتصادی کشور را داشته و لذا هم اکنون سرمایه داری دولتی نیز قویترین بخش این نظام را تشکیل می دهد.

حال اگر امروز سرمایه داران خصوصی طبق خواست امپریالیستها در تلاش برای خصوصی سازیها در صدد کشاندن نظام سرمایه داری به مراحل اولیه رشدش در ۳۰۰ تا ۵۰۰ سال پیش باشند، این به معنای افتادن به چاهی است که سرمایه های انحصاری امپریالیستی طبق نقشه ی تاجر - ریگان برای شان کنده اند! زیرا از این طریق آنها می توانند به دلیل ضعف این سرمایه ها در رقابت با سرمایه های انحصاری آنان را مطیع و مقهور سلطه ی سرمایه بزرگ بسازند. سرمایه داران خصوصی در ایران طی چند دهه ی اخیر باتمام وجود تلاش کرده اند تا امکانات موجود در ایران جهت به راه اندازی پروژه ها را از دست سرمایه های دولتی درآورده و حتماً با حمایت نهادهای امپریالیستی اموال عمومی دولتی شده را به بهائی ارزان بخرند و نظامی هرچه نزدیک تر به برده داری کارمزدی را برقرار سازند. بنابراین هیچ کدام از این واقعیتهای ناشناخته نمی باشند. البته بررسی این تاریخ رشد سرمایه داری به معنای دفاع از نظام سرمایه داری در هیچ یک از مراحل تکاملی اش نیست. ندیدن این تکامل و عقب گرد به دوران رقابت سرمایه داری حداقل به معنای تداوم بخشیدن و طولانی تر کردن زنده گی انگل وار این نظام می باشد.

اما هم اکنون مقاومت کارگران در ایران را در مورد خصوصی سازیها به روشنی می بینیم چراکه با حاکمیت سرمایه های خصوصی فشار بیش از حد برده وار به کارگران وارد می کند که نمونه

حل مشکل فلسطین در گرو وحدت طبقه کارگر اسرائیل و فلسطین است!

درد و رنج بی نهایت، اما مقاومت و مبارزه تا به آخر!

مانده مبارزه تا به آخر علیه این ددمنشان و سرنگونی آنان و استقرار حکومتی است که کارگران و زحمت کشان در راس آن قرار بگیرند؛ مالکیت خصوصی عامل اصلی ظلم و جور را از بیخ و بُن براندازد و به انسانهایی که سربلندانه با شرکت در امورات تولیدی و اجتماعی در خدمت ارتقاء سطح زنده گی کلیت بشریت در جامعه ای جهانی و رها از سلطه ی طبقات صاحب وسایل تولید خصوصی می باشند، کوچک ترین بی احترامی و دست بلند کردن روی شان را صورت ندهند و زنده گی شرافت مندی را برای آنان و خانواده شان تامین نمایند.

طبعاً کمک خواهی از افکار عمومی جهانیان ممکن است لحظه ای تأثیری در کم کردن فشار رژیم به زندانیان داشته باشد و به همین دلیل ارزشمند می باشد، اما راه حل رهائی در نجات زندانیان از تجاوزات روزمره حاکمان نیست. لذا باید کارگران متحد شده و تشکلهای اقتصادی و سیاسی شان در سطوح مختلف و مشخصاً حزب سیاسی پیشرو کمونیست خود را به وجود آورند و مبارزه تا به آخر را برای سرنگونی رژیم پیش ببرند. در غیر این صورت درب حاکمیت طبقاتی استثمارگران و ستم گران بر همین پاشنه خواهد چرخید. چون که آزادی انسانهای ایرانی به دست خودشان تنها با از هم دریدن قانون مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله حاصل می شود. طبقه کارگر در ایران و جهان نیاز به انقلاب برای تغییر دارد و نه مبارزه برای انجام رفرمهای، هر چند که مبارزاتی برای رفرم، ضروری می باشند و رفرمیسم را باید قاطعانه طرد کرد.

اعتصاب غذای ۴۵ روزه رضا شهابی کارگر مبارز که هم چنان ادامه دارد برای اعتراض به اعمال غیرقانونی زندانبانان رژیم و فرستادن وی از زندان اوین به زندان گوهردشت؛ اعتصاب غذای ۵۰ روزه دکتر لطیف حسینی در زندان رجائی شهر کرج؛ جمع آوری وسایل شخصی زندانیان در پی تغییر مدیریت بنده زندان گوهردشت و هزاران دست درازی شکنجه گران رژیم به حقوق ابتدائی زندانیان سیاسی نشانی است از ددمنشی حاکمان در تلاش برای به زانو درآوردن مقاومت قهرمانانه ی زندانیان و به خصوص زندانیان سیاسی و ایجاد

روزی نیست که اخباری از تجاوز وحشیانه ی نوکران سرسپرده رژیم در زندانها به زندانیان سیاسی مبارز و سربلند را نشنویم که بیانگر رسیدن حاکمان به آخر خط حاکمیت سیاسی شان می باشد و برای حفظ موقعیت ممتاز خود در قدرت حاضر به انجام هر جنایتی هستند که با هیچ اصل پیشروئی که بشریت در طی حیات مشترک چند هزار ساله اش به آن رسیده است، قرابتی ندارند. در بیانیه اخیر ۱۱ نفر از زندانیان سیاسی در افشای عمل کرد رژیم در زندانها می خوانیم:

« سال ها است که رژیم جمهوری اسلامی ایران بر خلاف اصل قانون، شخصی بودن مجازات که اذعان میدارد مجازات باید طوری باشد که به خانواده تسری پیدا نکند. در حالی که تبعید زندانی، خلاف قانون و مجازات خانواده ها است، نه خود زندانیان، اصل قانونی بودن جرم مجازات که اذعان می دارد که تبعید یک مجازاتی است و باید بر اساس قانون و بوسیله دادگاه صالحه حکمش صادر شود، در حالی که هیچ کدام از تبعیدها در جمهوری اسلامی حکمش توسط دادگاه صادر نشده است ...

از این رو ما امضاء کنندگان این بیانیه این حرکت رژیم را محکوم کرده از جوامع جهانی و نهادهای حقوق بشری می خواهیم که با تمام نیرو رژیم را وادار به رعایت قانون کرده تا دست از تبعید زندانیان سیاسی برداشته و بار مشکلات را بر خانواده ها کم کنند.

محمد امیر خیزی، رضا اکبری منفرد، رسول بداقی، خالد حردانی، افشین حیرتیان، شاهرخ زمانی، علی سلام پور، رضا شهابی، صالح کهندل، محمد علی منصور، اصغر قفان»

رفقا و دوستان زندانی! رژیم کوچک ترین تعهدی به احترام گذاشتن به حقوق انسانی چه در خارج و چه در داخل زندان و حتا به قانونی که خود نوشته است، ندارد. اصل بلاتغییرش در تمامی ایران، حفظ سلطه ی طبقاتی استثمارگری اش، زیر پا گذاشتن حقوق انسانهاست و متقابلاً، تنها راهی که برای آنانی که جان خود را در خدمت رهائی بشر از ظلم و جور حاکمان گذاشته اند، باقی

درخشان مبارزه کارگران را در مخالفت و اعتصاب ۵ هزار کارگر سنگ آهن بافق و ۱۴۰۰ نفر از کارگران معادن زغال سنگ البرز شرقی علیه خصوصی سازی این معادن شاهد بودیم. مضافاً بر این که با خصوصی سازی دست شرکتی خارجی در خرید سهام و در نتیجه به دست گرفتن هدایت این معادن فراهم می شود و استقلال اقتصادی ایران به تدریج از بین رفته و همراه این وابسته گی، تابعیت سیاسی کامل دولت آغاز شده و ایران بعد از رهائی از نیمه مستعمره بودن گرفتار سلطه ی استعمار نو می گردد.

طبق گزارش سازمان خصوصی سازی در اردیبهشت ۱۳۹۳ اعلام کرد، ۱۸۶ شرکت قابل واگذاری در قالب ۲۷ شرکت بسیار بزرگ، ۷۶ شرکت بزرگ، ۳۱ شرکت متوسط و ۳۱ شرکت دیگر به همراه سهام خرد دولت در ۹ شرکت بورسی و ۱۲ شرکت (بورسی و غیربورسی) را در فهرست واگذاریهای امسال گنجانده شده است. این فهرست از پالایشگاههای نفت بندرعباس، لاوان و کرمانشاه و نیز شرکتهای ملی حفاری، هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، پتروشیمی دماوند را در برمی گیرد تا هیدرینگ گاز ایران، مهتاب قدس، صبا و نیروگاههای شهید رجایی، سهند، زاهدان، مفتاح، خلیج فارس و آذربایجان! (به نقل از <http://nahadha.blogspot.com>)

بدین ترتیب ملاحظه می شود که مبارزه علیه سیاست خصوصی سازیها باید همراه با دیگر خواستهای طبقه کارگر در فهرست مبارزاتی کارگران برای جلوگیری از برقراری وضعی مشابه حکم نظام برده داری در نهادهای تولیدی به پیش برده شود و نهایتاً از افتادن اداره اقتصاد کشور به دست انحصارات امپریالیستی جلوگیری به عمل آید. البته نباید فراموش کرد که نظام سرمایه داری دولتی چیزی جز استثمار کارگران نیست و تنها فرقی با دوران سرمایه داری خصوصی در این است که کارگران از حقوق ابتدائی بیشتری نسبت به سرمایه های خصوصی که افسارگسیخته به استثمار کارگران می پردازد، برخوردار می شوند. نگاهی به وضعیت کارگران در کارگاههای کوچک و مزدهای به مراتب کمتر از مزد حداقل ۶۰۰ هزار تومان در ماه تعیین شده در سال ۱۳۹۳ گواهی است بر این واقعیت. درود پرشور ما به کارگران مبارز، رهبر سرسخت انقلاب ایران!

تفسیر روز - تیرماه ۱۳۹۳



خصوصی سازی تبعیت از نئولیبرالیسم انحصارات است!



سکوتی گورستانی در زندانها.

اما برای تمام کسانی که تاریخ مبارزات انسانها را در زندانهای ایران از قدیم خوانده باشند و یا کسانی هم موقتا به زندان افتاده و رفتارهای دوستاقتابان را ملاحظه کرده باشند، فرصت متوجه شدن به مبارزات بی امانی از هزاران هزار انسان و شکنجه ها و وحشی گریها در برابر آنان را درمی یابند و متوجه می شوند که رهائی انسانها از زیردست این جلادان درگرو به زیرکشیدن آنها از قدرت است.

برای تحقق چنین امری است که مبارزان اصیل کارگری باید قد برافرازند و در میان خون و آتش دربراندازی حاکمان، نظام شورانگیز سوسیالیستی صلح و برابری و احترام متقابل و رفاه و خوشبختی و نمونه ای از زنده گی نو را سازمان دهند.

رفقا و دوستان زندانی! ما که در خارج از زندان و به ویژه در خارج از کشور از آزادیها و تحرک بیشتری نسبت به شما برخورداریم، اما به حدی در شبکه ی عنکبوتی نظرات فرقه گرایانه و انواع تشکلهای ضعیف ادعای رهبریت جامعه رو به رو هستیم که در حقیقت قادر نشده ایم در برابر جانفشانیهایی بی شمار شما سربلندان و متحد فعالیت نموده و به وظایف خود در قبال زندانیان و به ویژه زندانیان سیاسی به تمام معنا عمل کنیم.

درد پرشور ما به مقاومت و تداوم مبارزات شما که الهام بخش ما است و آرزوی پیروزی تان را در این مبارزات داریم.

کارگران و زحمت کشان! حول پرچم خونین و با افتخار کارگران کمونیست متحد شوید!

حزب رنجبران ایران -

۲۳ تیر ۱۳۹۳

خبرخوش پایان اعتصاب غذای مشروط ۵۰ روزه رضاشهابی به خاطر قول دادستانی و تبریک به مقاومت قهرمانانه اش رابه هنگام انتشار شنیدیم



یک شب تا صبح با زنان کارتن خواب تهران

می خواهم یک خانم قابل اعتماد را معرفی کنند، یک شب تا صبح همراه باشد برای سرزدن به پاتوق های زنان کارتن خواب. خانم الف را معرفی می کنند. قرارمان ساعت ۱۲ شب حوالی دروازه غار. مانند می مشکی پوشیده. سبزه رو است با تلهجه جنوبی. شال رنگی به سردارد با آرایش نهچندان غلیظ.

چشمهای مشکی ریز، ابروهای کمپشت و بینی گوشتی. قرار است او راوی داستان ما و راهنمایمان باشد. می آید می نشیند روی صندلی و تندتند حرف می زند که «باید بریم ستارخان، اتوبان ستاری، پارک شوش، پشت ترمینال جنوب و...» تند و تند حرف می زند. جنگ زده که شده اند آن سالهای جنگ به تهران آمده اند. سه شماره موبایل می دهد. شماره های خودش و بهار دخترش. قرار می گذاریم هشت شب از در خانه شان سوارش کنیم. من و او به پاتوقها برویم و راننده منتظرمان بماند. یکی از همکاران آقایمان با من همراه می شود. کمی دلشوره دارم. هر چه به هشت شب نزدیک می شویم دلشوره ام بیشتر می شود از آنچه قرار است اتفاق بیفتد. ۵۰ هزار تومان می گیرد تا با ما همراه شود. خانه اش اتاقی هشت متری است در حیاطی شبیه حیاط خانه قمرخانم در کوچپس کوچه های دروازه غار. به زحمت پیدا می کنیم. ابوالفضل پسری سه ساله در را باز می کند. با موهای بور پشت بلند. خاله و دایی صدایمان می کند و به خانم الف می گوید عمه. از هشت تا ۱۰ شب منتظر می مانیم تا هوا تاریک شود و زنان کارتن خواب بی واهمه گشت های جمع آوری به پاتوق هایشان بیایند. با آب خوردن و تخمه از ما پذیرایی می کند؛ تنها چیزهایی که دارد. پایپ و جلد های نوشمک خالی توجهم را جلب می کند. جلد نوشمک را برمی دارد. وسط جلد نوشمک را سوراخ کرده و لوله پایپ را کرده تو. کنار دستش نعلبکی است با دستمال کاغذی های خیس.

در می زنند و دختر خانم الف «بهار» و دوستش «مرضیه» می آیند داخل. هر دو زیبا هستند و جوان. ابوالفضل با خانم الف صمیمی است. خانم الف برایش تخمه مغز می کند. ابوالفضل می گوید: «عمه چرا دیشب در را باز نکردی اومدم شب بخیر بگم؟» خانم الف می گوید: «شبها که ما نیستیم ابوالفضل میاد شب بخیر بگم می گیم ما خواب بودیم.» بعد اشاره می کند به ابوالفضل و می گوید: «مادرش ایدز داشته مرده، بهش گفتن بیمارستانه. پدرش هم دزده، شبها می ره سرقت. خلاقش سنگینه سرقت مسلحانه و انبار خالی کردن و اینا.»

نگاهم می افتد روی تبلت دست بهار. کمی می نشینند و می روند. موبایل هایشان دایما زنگ می خورد. از خانم الف درباره بهار و مرضیه می پرسم. می گوید: «مرضیه دوست بهار ۲۱ سالشه. هشت ماهیه بچه اش به دنیا اومده اما پدرش فراریه. دخترم بهار دوبار شور کرده. شور دومیش زندونه به جرمه

حمل موادمخدر. الان به سال پکی داره. سه تا بچه داره. اولی پیش شور اولشه، دومی رو شور دومش فروخت، سومی رو هم دادیم بهزیستی.» دو پک می زند. بعد پایپ را با دستمال کاغذی ها خنک می کند و از نو.

ساعت از ۱۰ می گذرد و می رویم برای شام. تا خیابانها باز هم خلوت تر شود. در را قفل می کند و کلید را می گذارد برای دخترش توی جاکفشی. می رویم سمت ماشین و چند دقیقه ای غیب می شود. وقتی می آید با تخمه و نوشمک و بستنی می آید. می گوید: «بی تنقلات نمی گذره» ضبط را که روشن می کنیم خوشحال می شود. راه می افتیم. زنان و مردان گروه گروه در خیابان مولوی مشغول پهن کردن رختخواب هایشان هستند؛ کنار پیاده رو خیابان اصلی. خانم الف می گوید: «معمولا هر کدوم از زن ها با یک گروه سه، چهار نفره مردان همراه می شه یا دوتا دوتا، تک نمی افتن. اینطوری اگر گشت بیاد، می گن زن وشووریم و آدرس به خونه را هم حفظ می کنن که بدن تا دربرن.»

می پرسم «چی دارین؟» می گوید: «من فقط اروندکنار و البرز و هانی می رم.» مسیر دروازه غار تا ولیعصر را بالا می رویم تا به رستوران برسیم. تلویزیون رستوران ویژه برنامه جام جهانی دارد. اطلاعات خانم الف از فوتبال دقیق است و به روز: «قرعه مون خوب افتاده فقط آرژانتینش سخته. دیدن برنامه ۹۰ نشون داد تیم جوانان ۲۰ میلیون پول قلیونش را نداده است؟ من نمی دونم اینا چه ورزشکارایی که آنقدر قلیون می کشن.» شام چلو جوجه ای به قیمت ۷۰ هزار تومان سفارش می دهد ولی نصف غذایش را نمی خورد. ظرف می گیریم که ببرد خانه. می گوید «شبها تا صبح بیدارم گرسنه ام می شود. شبهایی هم که ستارخان می روم از سوپرمارکت شبانه روزی کنار پمپ بنزین، ساندویچ و کلاپ می خرم.» راه می افتیم... می پرسم چطور می روی ستارخان؟ توضیح می دهد که «هرشب حدودی ۱۲ سوار بی آر تی خاوران به آزادی می شم بعد از اونجا میرم ستارخان.» پاتوقش آنجاست.

از پشت سرم صدای چلیک چلیک پایپ خانم الف می آید. از توی آینه عقب را نگاه می کنم دارد شیشه می کشد. «خیلی از کارتن خوابها شب تا صبح رو تو همین اتوبوس های خاوران- آزادی صبح می کنن.»

در ستارخان هنوز خبری نیست. راهی اتوبان ستاری می شویم. به گل فروش های زن و دختر اشاره می کند و می گوید: ◀



اینجا نمی‌تونم ارتباط برقرار کنم. من دوتا پسر دارم یکی‌شون متولد ۶۷ و یکی ۷۳، ۲۰ساله ندیدمشون. من از آمریکا دیپورت شدم ایران. چون طلاق گرفتم. دیگه سفارت نداشت بچه‌هامو بیارم. الان ۲۰ساله تو ایران دارم تنها زندگی می‌کنم. ۱۵سال سابقه آموزش رانندگی دارم. برا خودم خونه داشتم زندگی داشتم. یه شوهر صیغه‌ای کردم. اعتیاد داشت. من اولین کسی بودم که تو ایران مربی خانم شدم. چون تصدیق بین‌المللی داشتم. بعد آموزش دادم برا خانم‌ها. کلاس گذاشتم که مربی شوند و خودم هم آموزش می‌دادم. تقدیرنامه دارم از آقای... به‌عنوان پرکارترین. از پنج‌صبح کلاس داشتم تا ۱۰شب. فعال‌ترین مربی‌شون من بودم.»

این شوهر من «هی به دود بگیر یه دود بگیر خستگی‌ات درمیره» مام هی یه دود بگیر، یه دود بگیر معتاد شدم. شیشه می‌کشیدم چرتم رو بیرونه. سرهنگ فهمید کارتم رو سوراخ کردن. دیگه اجازه کار بهم ندادن. رفتم پرستار سالمندان شدم. اونجا بالاخره بعد پنج‌سال فهمیدن مواد مصرف می‌کنم. دیپورتم کردن. حالا ضایعات جمع می‌کنم. آگه هم با بچه‌های این سنی می‌پریم چون احساس می‌کنم پسر خودم همراهمه. اینها همه بهم می‌گن ننه‌عسل یا مهریون‌جون. زن‌های دیگه چون کار خلاف دارن من نمی‌تونم باهاشون ارتباط برقرار کنم.»

یه ۲۴ ساعت‌ترو تعریف می‌کنی که چیکار می‌کنی؟

«من از ساعت ۹ شب تا پنج‌صبح ضایعات جمع می‌کنم. ضایعاتم رو صبح می‌برم می‌فروشم تا هشت، هشت جرم (مواد) رو می‌گیرم می‌رم یه گوشه می‌شینم می‌کشم. بعد میرم دی‌آی‌سی ناهارم رو می‌خورم. تا سه حمومی چیزی می‌خوام بکنم دی‌آی‌سی می‌کنم. سه به بعد هم همین‌طوری می‌چرخم تا ۹ شب شه.»

«می‌رویم سمت ایستگاه بی‌آرتی. فوج فوج جمعیت معتادان نشسته‌اند به مصرف. روبه‌رویشان معتادانی دیگر بساط کرده‌اند. بساط‌های کوچک؛ کفش دسته‌دو، دمپایی، شارژر، گوشی، کیف میهمانی، لباس‌های دسته دو و... دود فضا را گرفته است. خانم الف مردی میانسال با پیراهن چهارخانه را نشان می‌دهد و می‌گوید: «این موافروش عمده است، یک‌کیلو، دوکیلو.» دختران و زن‌های کارتن‌خواب را از ردیف آدم‌ها نشان می‌کنم برای مصاحبه.»

دختر موهای فر دارد. چشم‌های درشت. ◀

می‌کنم. منیژه کوچیکم؛ کنیز شمام ۴۰ساله. الان اومدی دنبال مواد؟

من مواد می‌کشم. اما گاه‌گداری. هر دقه و ثانیه نمی‌کشم. تریاک می‌خورم.

ان الان اینجا چیکار می‌کنی؟

اومدم منتظر کسی بیاد منو برسونه.

اشاره می‌کنم به آقای کنار دستش و می‌پرسم الان این آقا دوستتونه؟

نه آشناست.

اینجا نشستی نمی‌ترسی؟

نه چون از خودم اطمینان دارم دیگه سنی از من گذشته.

ردیف مردها نشسته‌اند به چرخیدن پایپ‌ها، کشیدن هرویین. یکی‌شان رو به من می‌گوید: «بفرمایید شیشه»

ساعت چهارصبح دور میدان شوش. دنیای شبانه‌اش با دنیای روزهایش فرق دارد. با شب‌های دیگر نقاط تهران هم. این حوالی پاتوق حکمرانی معتادان کارتن‌خواب است. کلاه به سر دارد. ریزنقش است. دستمال‌گردن بسته. ظاهرش با تمام زنان اینجا فرق دارد. چشم‌های عسلی دارد. حدوداً ۴۰ساله. حتی با وجود گونه‌های تورفته و ردیف ریخته دندان‌هایش هم زیباست. پسر جوانی همراهش است. می‌ایستد به صحبت. اعتیاد داری؟

تقریباً.

چی مصرف می‌کنی؟

شیشه و دوا.

اینجا دنبال مواد؟

نه.

پس چیکار می‌کنی؟

قدم می‌زنیم.

کارت چیه؟

ضایعات جمع می‌کنیم.

کار دیگه‌ای نداری؟

نه اصلاً من تنها زنی هستم که اینجا کار دیگه‌ای نمی‌کنم.

این آقا کیه؟

آشنا من.

نمی‌ترسی؟

پسر میاد جلو و می‌گوید: «می‌خواهی خیالت رو راحت کنم. من خودم انجمنی هستم. یک ساله پاکم انبار دارم.»

عسل می‌گوید: «من از ترسم دارم راه می‌رم چون به محض اینکه بخوام یه جایی بایستم و استراحت کنم خفتم می‌کنند.»

کارتن‌خوابی؟

آره.

چه مشکلاتی داره؟

«بزرگ‌ترین مشکل خفت‌گیریه. با زن‌های

▶ «اینها کارشون پوشش برا کارای دیگه‌ست.» می‌گوید: «جنگل و پارک حاشیه اتوبان ستاری پاتوق موافروشای زن و مرد است.» با چراغ قوه می‌زنیم به دل محدوده درختکاری‌شده حاشیه اتوبان اما خبری نیست. زنی آن‌سوتر می‌دود و از دید پنهان می‌شود. می‌گوید: «حتماً ماموربازار شده من خیلی شبا میام اینجا برا تهیه مواد.» گشت نیروی انتظامی را که می‌بینیم، می‌گوید: «گفتم چرا اینقدر خلوته ماموربازاره.» می‌رویم سمت تخت‌طاووس و فاطمی، هنوز خبری نیست. پارک ساعی هم خبری نیست. زیر پل کریم‌خان می‌رویم. ساعت نزدیکی‌های دو است. دخترکی خوش‌پوش و جوان از ماشینی پیاده می‌شود و سوار ماشینی دیگر می‌شود. مقصد بعدی‌مان پارک مشرف به اتوبان شیخ فضل‌الله همت است؛ بالای تپه. دوستم می‌گوید: «اینجا همان جایی است که علی سنتوری را فیلمبرداری کرده‌اند.» اینجا پاکسازی شده است؛ این را نگهبان بوستان می‌گوید.

خانم الف را صدا می‌کنم که چه‌کار کنیم؟ کجا برویم؟ جواب نمی‌دهد. رو برمی‌گردانم. خوابش برده. حوالی فلسطین که می‌رسیم بیدار می‌شود. زنگ می‌زند ۱۱۸ می‌گوید: «شماره ستارخان را می‌خوام نه ببخشید داروخانه... در ستارخان رو.» بعد به داروخانه زنگ می‌زند. جواب نمی‌دهند. می‌پرسم برای چی؟ می‌گوید: «آمار بگیرم چه خبر بوده جواب نمی‌دن.»

می‌رویم سمت شوش. در پارک محله‌ای شوش زن جوانی با پسر و پیرمردی نشسته‌اند. از چهره‌شان مشخص است که اعتیاد دارند. ساعت چهارصبح است. وقتی می‌پرسم «کارتون خوابیده؟» به انکار می‌گویند: «نه ما خانه‌مان همین‌جاست. اومدیم اینجا هوایی بخوریم. کارتن‌خواب‌ها دور میدان می‌نشینن.» تمام نیمکت‌های پارک و ایستگاه تاکسی پر از کارتن‌خواب‌های خواب است. می‌رویم سمت میدان.

زن موهایش بور است که ریشه سیاهش درآمده. مانتو و شال سنتی به سر دارد. روی سکوی دور میدان شوش نشسته به همراه دو مرد. کمی آن‌سوتر ردیف آدم‌ها تا میانه خیابان نشسته‌اند مواد می‌کشند. انگار که دارند آب می‌خورند یا ساندویچ بی‌هیچ ترسی.

شما کارتن‌خوابید؟

می‌گوید: من بچه دارم، خونه دارم الحمدالله. من شوهر دارم. کارم تو خونه است. پرستارم. یک بدبخت بیچاره را نگهداری



روسی گل‌گلی. می‌نشینم کنارش و می‌گویم: «می‌شود چندتا سوالم را جواب بدهی؟» پسر جوان کنار دستش در حال لوله‌کردن دستمال کاغذی برای آتش زدن زیر زوروق هرویین است. می‌گوید: «لازم نکرده بفرمایید بفرمایید.» پسر یک جفت کفش می‌گذارد جلو دختر و می‌گوید: بیا. دختر دمپایی‌های پاره و پوره را درمی‌آورد و کفش‌های کتانی دست‌دمو را می‌پوشد. می‌گویم: چندسالته؟ چیکار می‌کنی؟ پسر عصبانی می‌شود لازم نکرده. لازم نکرده. بفرمایید. می‌گویم: می‌شه خواهش کنم اجازه بدین جواب بده؟

دخترک می‌گوید: ببخشین بفرمایین. من نمی‌خوام جواب بدم. اینم بگه جواب نمی‌دم. خانم میانسال دیگری با مقنعه نشسته. می‌نشینم کنارش و باز درخواستم را تکرار می‌کنم و می‌گویم: از مشکلات کارتن‌خوابی می‌گویم می‌گوید: «مشکلی ندارم با من حرف نزن.» می‌پرسم:

چی مصرف می‌کنی؟ می‌گوید: از این همه آدم بپرس چی مصرف می‌کنن. یکیش هم من شیشه، هرویین، کراک؟ هرویین نمی‌کشم از هرویین بدم میاد. چرا؟ همین‌جوری الکی... حرف نمی‌زنم. بفرمایید.

پسر جوانی پایپ به دست رد می‌شود و می‌گوید: «بی‌بی‌سی نیوز، سی‌ان‌ان.» مردان معتاد صدایم می‌زنند که بیا با ما حرف بزن. پسری کیف میهمانی را نشانم می‌دهد که بیا این را بخر. آن یکی می‌گوید: سیدی شاد می‌خوای؟ خانم الف می‌آید جلو می‌گوید: «دو تومن به من می‌دهی یک سیدی بخرم؟» در این‌گیرودار دخترک جوان به سراغم می‌آید و می‌گوید: «بیا اینجا حرف بزنیم» می‌رویم آن‌سوی خیابان کنار در بسته گاراژی می‌نشینیم به صحبت‌کردن می‌گوید: دنبال چی هستی؟

- تهیه گزارش درباره وضعیت زنان کارتن‌خواب. - که چی شود؟ - که رسیدگی کنند. یعنی جمع‌مان کنند؟

نه. امکانات برایتان بگذارند مثل مردان. می‌گوید: باور می‌کنی من الان موندم واسه شناسنامه‌ام که دست مادرمه. نمی‌دونم کجا زندگی می‌کنه که خواهر و برادر بزرگم می‌دونن. سر اینکه وکالت نمی‌دم بهشون سر ارث و ورثه بابام به من نمیگن. الان

نمی‌دونم موسسه اصلی یارانه که ثبت‌نام می‌کنن کجاست. چون شناسنامه‌ام دست مادرمه. صدایش گرفته انگار که ساعت‌ها گریه کرده باشد. چشم‌هایش هم غم دارند. خیلی. می‌گوید: بابام تازه فوت کرده. چند سالته؟ ۲۸ سال.

چند وقته اعتیاد داری؟ از بچگی بابام معتاد بود. من آخرین بچه خونواده بودم. بابام مامانمو طلاق داد. ۹ ساله بودم. بعدم با دوست و رفیقاش رفیق‌بازی می‌کرد. زیاد دست به خودکشی و خودزنی زدم که بابائمه موادرو بذاره کنار. از رفیق‌بازی دست برداره. اما فایده نداشت. اصلا تازه منو پرت می‌کرد بیرون. اولین روزایی که کارتون‌خواب شدم پنج‌سال‌وشش‌ماه و هشت‌روز پاکی داشتم. خونمون دهکده المپیک بود. زن صیغه کرده بود وضعتم خراب بود. بعدشم دیگه زنه رو گرفت. زیاد دعوا داشتم. ۲۸ رهجو داشتم. می‌رفتیم صندوق‌های ایران‌کاوه‌رو مونتاز می‌کردیم. بعدم که مارو با پا زد و انداخت بیرون. من یه هاچ‌بیک قسطی برداشته بودم. چند وقت بعدش که منو انداخت بیرون شنیدم زنه مخ بابائمه‌رو به کار گرفته و خونمه‌رو به اسم زنه کرده. بابائمه‌رو می‌اندازه بیرون. آخرسرم میره خونه بهبودی شهرک کاروان می‌خوابه. بعد هفت، هشت‌ماه که قسط ماشین‌رو می‌دادم با صاحب‌کارم می‌خواستیم یکسری کار و بار ببریم نیشابور بفروشیم. دوماهی طول کشید که جمع‌وجور کنیم. چون شناسنامه دست ننه بود و می‌خواستیم بریم خونه بگیریم به اسم بابائمه زدم ماشینمو. آخرسر یک‌قرون از پول ماشینمو نداد که نداد. حرف ماشینش را که می‌زند حسی مانند غرور در چهره‌اش می‌دود.

الان چیکار می‌کنی؟ ول می‌چرخم تو خیابونا. چند وقته؟ نزدیک ۹ ساله.

چه سختی‌هایی داری؟ حسابش‌رو بکن چقدر راحتی با لباس راحت بگردی تو خونه. هرکاری بخوایی بکنی. کسی نگه بالای چشت ابرونه. ما نه امنیت جانی داریم نه مالی نه... .

یه ۲۴ ساعت‌رو تعریف می‌کنی چه‌کار می‌کنی؟ صبح پا میشم، یک دو می‌کنم واسه پول، نیم یا یک گرم نوایی که می‌گیرم یک خردش‌رو واسه خودم برمی‌دارم. بقیه‌اش هم چی؟ سه، چهار دونه پنچی درست می‌کنم دوا رو می‌فروشم. خرج دوا فردامو درمی‌آرم.

اینطوری خرج‌رو درمی‌آرم. باز بهتر از اینه که برم فلان کارها را بکنم یا دزدی بکنم. جرم‌رو کشیدم تمام شد واسه خورد و خوراک بعضی بچه‌ها هستن زیاد باهاشون خودمونی‌ام چه واسه لباس‌مباس باشه، چه خوردخوراک. خلاصه مصرف می‌کنیم که زندگی کنیم زندگی می‌کنیم که مصرف کنیم. اینجا امن هست؟ کسی هست حمایت کند؟

چرا فکر می‌کنید خطرناکه. آدم بستگی به خودش داره. آخه خر که دیگه نیستیم طرف‌را که نگاه کنیم می‌فهمیم. من زیاد با آشناها نشست و برخاست نمی‌کنم چه برسه به غریبه‌ها. چون می‌دونم دیگه اول و آخرش به چی ختم می‌شه. خودمو تو موقعیتش قرار نمی‌دم. آرزوت چیه؟

آرزوم اینکه برم ترک کنم. برم زودتر ارث و ورثه‌ام‌رو بگیرم. برم یه جای دورتر از اینجا. واسه اینکه فکر مواد تو سرم نیاد برم یه جایی هست کارگاه شابلون‌زنی. هم‌هشون پاکی بالان، کار کنم.

«فری» خانم کوتاه‌قد، با ابروهای تئو، آرایش غلیظ، موهای چتری. سیگار بهمن می‌کشد. می‌گوید: بیا من حرف می‌زنم باهات. چندسالته؟ ۴۲ سال. اعتیاد به چی داری؟ شیشه.

یه ۲۴ ساعت‌رو تعریف می‌کنی؟ سخت می‌گذره تو خیابون، آواره، دربه‌در. به نظرت آسون می‌گذره؟ نه با این کرایه‌خونه‌های گرون. اتاق‌های پولی، پولی که ما نداریم. اتاقم بهمون نمی‌دن. مشکلات بچه و نداری و بیماری و دربه‌دردی. صبح که بلند می‌شیم اینقدر بدو بدو، این‌ور اون‌ور، می‌کنیم بتونیم پول عملمون‌رو جور کنیم. با کار خونه مردم. مردم هم برای رضای خدا یه چیزی میدن به ما.

شب‌ها اینجایی؟ تو پاتوق؟ پاتوق نیست که، جایبه برای زندگی‌مونه. خونمونه. خونه زندگی، همه چیز همین جاست. هر کی خونه نداره اینجا است. ما بزرگتر و قدیمی‌تر اینجاییم. اولین نفریم. ما که اعتیاد داریم نمی‌تونیم بریم گرم‌خونه. اگه نکشیم شب با غم و غصه چطور می‌تونیم سر کنیم. بعدم اینکه مگه شب بتونیم یه پولی جور کنیم واسه عمل فردامون. روز که مامورا نمی‌دارن. الان چی می‌خوایی از زندگی؟ از ما گذشت، هرکاری می‌کنن واسه دختر پسرای اینجا بکنن. اینا از زمین و زمان مونده و روندان. اگه آدم کمبود نداشته باشه سراغ مواد نمیره. الان دوتا بچه‌هام



هیچ کدام از دیدگاههای پرولتاریائی را نمی توان تبدیل به نظر اکثریت نمود و لذا میدان ساخت و پاخت نظری و عملی بازبازاست. موفق باشید




از هر دری، سخنی!

خلاصه ای از مقالاتی که در زیر می آید جهت دادن عطف توجه خواننده گان عزیز رنجبر به نظرات دیگران است و ضرورتاً این نظرات مواضع رسمی حزب نمی باشند. هیئت تحریریه

آمار تکان دهنده تعطیلی واحدهای صنعتی

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، محمدرضا نعمت زاده به تازگی با ارائه گزارشی به هیات دولت در زمینه آخرین وضعیت صنایع کوچک و شهرکهای صنعتی کشور خبر داد که ۱۴ هزار واحد صنعتی در حوزه صنایع کوچک و متوسط طی سالهای گذشته به دلیل مشکلات مختلف تعطیل و متوقف شده اند... البته به غیر از وزیر صنعت، معدن و تجارت دیگر مسئولان این وزارتخانه نیز به صورت موردی به آمار مربوط به تعطیلی واحدهای صنعتی اشاره می کنند. از جمله اینکه در تازه ترین اظهارنظر علی یزدانی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت صنعت، معدن و تجارت در سفری به گرگان اعلام کرد که شرایط اقتصادی کشور باعث شده تا بیش از ۳۰ واحد صنعتی استان گلستان به صورت ۱۰۰ درصد تعطیل شوند.

به گزارش ایسنا طبق آخرین آمارهای ارائه شده صنایع کوچک و متوسط حدود ۹۲ درصد از کل صنایع کشور را شامل می شوند و اشتغال موجود در آنها نیز بالغ بر یک میلیون نفر می شود که این رقم حدود ۴۵ درصد از کل اشتغال صنعتی کشور را در بر می گیرد.

به گفته حسین ابویی مهریزی معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در حال حاضر حدود ۲۹ هزار طرح صنعتی و معدنی نیمه تمام با سرمایه گذاری ۳۲۰ هزار میلیارد تومانی در کشور وجود دارد.  که اگر به بهره برداری برسند یک

می توان با آن همکاری (نه وحدت) کرد. بلشویکها نیز تا جایی که مسئله دموکراسی بورژوازی و دفع تعدیات استبداد تزاری بود، همکاریهایی با اس آرها داشتند بدون اینکه دست از افشاء سوسیالیسم تخیلی و غیرکارگری آنها بردارند و یا توهمی به ایجاد وحدت حزبی با آنها داشته باشند. اگر امر ایجاد کارگروههایی برای زمینه های مختلف مبارزاتی توسط نشست جدی گرفته شود، می توان در مواردی که در آنها امکان همکاری بین پرولتاریا و خرده بورژوازی وجود دارد، دست به کار مشترک زد. موفق باشید

دوست یا رفیق گرامی سلام
اگر به تاریخ تشکیل و اعلام موجودیت نیروهای شرکت کننده در "نشست احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست" نگاه کنید دربیانیه اول آنها مدعی کمونیست بودن را کرده اند و نیروئی ظاهراً وابسته به طبقات غیرپرولتری حضور نداشته است.

کمونیستهارابطه ای جبهه ای باهم برقرار نمی کنند. برعکس آنها باهم باید وحدت کرده و از تفرقه پیشروان طبقه کارگر درتشکلهای سیاسی مختلف پرهیزکنند. به همین دلیل ازابتدا ما خواستار وحدت اصولی بودیم و نه همکاری!

پذیرش همکاری بین "کمونیستها"، مغایر با اصول کمونیسم علمی درمورد ایجاد حزب واحدکمونیست درهرکشوراست و افتادن به دام نظرات خرده بورژوائی و بورژوائی! اگر حزب کمونیست واحدی دریک کشور به وجودآید و درپیشبردن سیاستهای مشخص کوتاه مدت و درازمدت اش تشکلهای دیگری از احزاب و سازمانهای غیرپرولتری حاضر به همکاری باشند، چنین اتحادی موقتی و مشروط با استقلال هرتشکل درست است و با توضیح آن درمیان طبقه کارگر و توده های زحمت کش توسط حزب کمونیست، التقاطی نظری درمیان آنها به وجود نمی آید. اما درزمانی که مثل امروز احزاب رنگارنگ مدعی کمونیست بودن و بهترین حزب، وجود دارند و حتا به خواست کارگران مبارز فعال درداخل درایجادحزب توجهی نمی کنند، سرخم کردن دربرابر این التقاط گیری دربهترین حالت دچارشدن به اپورتونیسم درسیاست و تشکیلات است و رویزیونیسم درعرصه ی تئوری کمونیسم علمی.

توجه داشته باشید که درفقدان حزب کمونیست با اتوریته و صاحب نظرات دقیق درچنین نشست، به قول معروف شله قلمکاری،

بهبیستی آن چهارساله نرفتم ببینمشون. یکی ۱۵ سالشه، یکی ۱۰ سالشه. کمی آنسوتر تنها نشسته بر لبه جدول. با موهای زرد کوتاه. مقنعه، مانتو فرم و شلوار جین. می روم سمتش، می نشینم کنار دستش با پرخاش می گوید: «بلند شو. من حوصله هیچی رو ندارم.» و بلند می شود و می رود. خانم الف می رود دنبالش که بیا، بیا حرف بزن ندا. نمی ماند. می زند به دل خیابان. بعد خانم الف می گوید: «بچه اش رو پریروز تو پارک دزدیده ان. چرتش برده که بچه را بردن.»

مطمئننی نفروخته؟
آره، اگه می فروخت این قد این در و اون در نمی زد برای پیدا کردنش.

ساعت پنج ونیم صبح است. خانم الف را می رسانیم و راه می افتم سمت خانه. آفتاب دارد بالا می زند و پایبها همچنان می چرخند و شبی دیگر برای کارتن خوابها می گذرد با سختی و نشنگی.

مرکز گذری کاهش آسیب زنان رهجو: معتادانی که حول یک معتاد بهبودیافته در گروه های ان ای جمع می شوند. پاکي بالان: چندسالی از پاکي آنها گذشته.

منبع: روزنامه شرق زنان در تاریخ ۱۷ / ۰۶ / ۲۰۱۴ منتشر شده در سایت آینه روز [این گزارش دل خراش زنده گی جهانی "گللهائی که درجهنم می سوزند" را تماماً نشان می دهد. این وضع را نظام پلید و کثیف سرمایه داری به وجودآورده است که از نیویورک تا تهران و از شرق دور تا کیپ تاون نمونه های فراوانی از آنها دیده می شود. راه نجات چیزی جز انقلاب سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر نیست. -رنجبر]



از نامه های رسیده

با سلام
در خصوص تصمیم گیری حزب برای کناره گیری از نشست، می خواستم بگویم که با این نظر حزب که برخی اعضای نشست حامل دیدگاههای غیرکارگری هستند و تلاش برای وحدت با آنها بیهوده یا زیانبار است موافقم. ولی تا جایی که تشکیلی از دموکراسی بورژوازی حمایت کند



۱۷۰ میلیون و ۰٫۵ درصد به یک درصد افزایش یافته است و این در حالی است که تنها ۸ درصد از مدارس کشور در حوزه پیشگیری تحت پوشش قرار دارند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود حرفه آموزی، توانمندسازی و اشتغالزایی را حلقه مفقوده در فرایند بازگشت معتمدان به جامعه یاد کرد.... ۱۸ تیر ۱۳۹۳

ازدواج ۳۰ هزار دختر زیر ۱۵ سال در ۹ ماهه نخست ۹۲

وی با بیان اینکه «اگر بنده حرفی می زنم از سر دشمنی نیست؛ چراکه خیرخواه دولت ها بوده و هستم؛ هرچند ممکن است آنان اشتباهاتی نیز داشته باشد» خاطرنشان کرد: در حال حاضر فساد در کشور به مرحله سیستمی رسیده است؛ این اتفاق به معنای آلودگی دستگاه های مبارزه با فساد است و در این نوع از فساد جرم یقه سفیدها بیشتر می شود.

وی افزود: یقه سفیدها اشخاص در ظاهر محترم هستند که در جامعه به شکل ویژه ای جرم مرتکب شده و پول مردم را می بلعند؛ در حقیقت بر خلاف یقه آبی ها. یقه سفیدها از مناسبات پیدا و پنهان خویش استفاده کرده و با پنبه سر می برند. اما جرم یقه سفیدها غارت بدون خشونت و سرقت خانه ها بدون ورود به منزل هاست.

این نماینده مجلس با بیان این که «فضای فساد در دولت گذشته گسترده و بی محابا بود» ابراز عقیده کرد: فاسد همانند خود را بر سر کار می آورد. در حال حاضر نیز به دلیل گسترده شدن فضای فساد مقابله با این امر قدری سخت و مشکل شده است.

این نماینده مجلس با بیان این که «من ریاست احمدی نژاد را قبول نداشتم، اما از روی اضطراب به او رای دادم» افزود: در زمان احمدی نژاد به عقل و مشورت اعتنایی نمی شد. در زمان او تصمیمات در کشور به شکل استبدادی اتخاذ می شد؛ به عنوان نمونه پروژه مسکن مهر که معتقدم یکی از بهترین طرح ها بود به خاطر افزایش مقیاس و چاپ پول از سوی بانک مرکزی سبب تورم و رشد نقدینگی شد. (آسمان دیلی نیوز- ۱۳۹۳ تیر)

مخالفت "نمایندگان" (!) زن مجلس با حضور بانوان در ورزشگاه ها :

کار زن بچه دار شدن و تربیت فرزند و شوهرداری است نه دیدن مسابقه والیبال

پیام نو: اصرار زنان برای دیدن مسابقات والیبال تیم ملی در ورزشگاه به حاشیه های جدید در بازی مقابل ایتالیا کشیده شد، حاشیه هایی که در شبکه های اجتماعی بازتاب های فراوانی داشته است؛ اما در این میان اکثریت اعضای فراکسیون زنان مجلس اعتقادی به حضور بانوان در ورزشگاه ندارند و حتی فراتر از آن، این بحث را بهره برداری سیاسی علیه نظام می خوانند. به گزارش پیام نو، از جمله حاشیه های دیروز برخورد نیروی انتظامی با برخی از زنان متقاضی حضور در ورزشگاه حاشیه دیگر هم این بود که تعدادی

شرق: سازمان ثبت احوال ایران اخیرا نمودار توزیع سنی زوجین در زمان ازدواج در ۹ ماهه سال ۹۲ را منتشر کرده است. بر اساس این نمودار ۳۰ هزار و ۹۵۶ نفر از مجموع ۵۷۹ هزار و ۸۷۱ ازدواج مربوط به ازدواج دختران زیر ۱۵ سال بوده که ۳/۵ درصد مجموع کل ازدواجها را شامل می شود. بر اساس همین آمار طی این هفت سال همواره بیش از یک سوم زنانی که ازدواج آنها ثبت شده، زیر ۱۹ سال بوده است. بر اساس این گزارش، در ۹ ماهه سال ۹۲ بیشترین ترکیب ازدواج ثبت شده مربوط به ترکیب سنی مردان ۲۴-۲۰ ساله با زنان ۱۹-۱۵ ساله بوده که تعداد آن برابر با ۹۸ هزار و ۹۸۳ واقعه است.

[جلوگیری از رشد دختران در عرصه های تحصیلی، جسمی، هنری، ادبی و وابسته گی مالی، و تبدیل شدن شان به افراد موثر اجتماعی و بدین ترتیب نگه داشتن آنان در زیر سلطه ی پست مردسالاری، از جمله اهداف رژیم اسلامی ایران از ابتدا بوده و چنین ظمی در حق آنان تا سرنگونی این رژیم و برقراری سوسیالیسم باز هم ادامه خواهد یافت. رنجبر]

احمد توکلی: فساد در کشور به مرحله سیستمی رسیده است

سایت الف: احمد توکلی نماینده تهران در مجلس با بیان اینکه 'در حال حاضر فساد در کشور به مرحله سیستمی رسیده است'، گفت: اگر امید مردم مایوس شود، آنگاه سرمایه های اجتماعی نظام را از دست می دهیم.

توکلی در سلسله نشست های بزم اندیشه با عنوان «زنگ خطرهایی برای دولتمردان» اظهار کرد: در دولت فعلی دو ماه و نیم مکاتبه کردم تا مسئله فساد و رانت خواری حذف شود. معتقدم دولت یازدهم باید متوجه شود که چنین مسائلی نباید دست و پایش را بگیرد؛ البته آن چه به این دولت رسیده خرابتر از آن است که بتواند حریف مشکلاتش شود.

قم فردا: آخوند سعید عبداللهی رئیس مرکز تحقیقات و آموزش جنگ نرم نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه های کشور در همایش بررسی آسیب های ماهواره ویژه فرهنگیان استان قم که صبح امروز در سینما تربیت برگزار شد با اشاره به تعاریف جنگ سخت و نرم اظهار داشت: متأسفانه برخی از مسئولین جنگ نرم دشمن را قبول ندارند و این کار مقابله با آن را دشوار می کند...

عبداللهی در بخش دیگری از صحبت های خود با انتقاد از ترویج داروینیسیم در کتب درسی گفت: این یک خیانت است که داروینیسیم را به صورت یک نظریه ثابت شده تبلیغ کنیم در صورتی که هنوز مخالفان زیاد و سؤالات جواب داده نشده بسیار در مورد آن وجود دارد. (پیک ایران - ۲۰ تیر ۱۳۹۳)

[جنگ میان ماتریالیسم دیالکتیکی و ایده آلیسم متافیزیکی را امروز در هر بخش از موضوعات اجتماعی می توان به وضوح دید: از جمله آخوندها هم برای نشان دادن خود به علمی بودن داروینیسیم را غیر علمی معرفی می کنند. ولی تم خروس غیر علمی بودن نظرات خوداینان روشنتر از آفتاب است. آیا حتا یک استدلال علمی در توجیه علمی بودن نظرات دینی وجود دارد؟ مسلما جواب نه است و ارتجاع دینی در مقابل علم تکامل برای حفظ وجود نحیفش که روزبه روز نحیفتر و بی آبروتر می گردد، دست به تلاش به مصداق الغریق و یتشیت به کل حشیش می زند!! - رنجبر]

افزایش جمعیت دانش آموزان معذور کشور

به گزارش تسنیم، علیرضا جزینی، قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در نشست شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان قزوین، مبارزه با مواد مخدر را از خواسته های اصلی مردم از مسوولان خواند و افزود: در یک نظرسنجی انجام شده، مواد مخدر ۹۲ درصد نگرانی مردم را به خود اختصاص داده است و مسوولان عالی رتبه نظام این موضوع را یک آسیب و تهدید جدی برای کشور می دانند.

جزینی با تاکید بر اینکه مبارزه با مواد مخدر در مدارس و دانشگاه ها را باید جدی گرفت، گفت: جمعیت معذور دانش آموزی

پنجاه میلیون نفر به خاطر جنگ یا شکنجه و آزار و اذیت در طبقه‌بندی پناهندگان قرار گرفتند یا در داخل کشور هایشان آواره شدند. از زمان جنگ دوم جهانی، این بیشترین میزان رشد آوارگان در سطح جهان است. این رقم، همچنین شش میلیون نفر بیشتر از سال قبل از آن است.

از این تعداد، حدود هفده میلیون نفر از کشورهای خود فرار کرده‌اند و بیش از سی و سه میلیون نفر نیز در داخل کشورهایشان آواره شده‌اند.

بسیاری از آوارگان، سال‌ها در اردوگاه‌های پناهجویان زندگی می‌کنند.

جنگ در سوریه علت اصلی افزایش تعداد آوارگان است اما در دو کشور سودان جنوبی و جمهوری آفریقای مرکزی نیز مناقشاتی تازه در جریان است.

آژانس پناهندگان سازمان ملل می‌گوید افزایش بی‌سابقه تعداد پناهندگان، هزینه بسیار سنگینی است که برای شکست در جلوگیری از نبردها و مناقشات باید پرداخت. این آژانس همچنین گفته است که کشورهای ثروتمند باید تعداد بیشتری از پناهندگان را پذیرا شوند.



آوارگان سوری

در همین حال آنتونیو گوتراس، رییس آژانس پناهندگان سازمان ملل از لبنان خواسته است همچنان افرادی را که می‌خواهند از سوریه وارد لبنان شوند، بپذیرد.

روز پنج‌شنبه، یک وزیر لبنانی گفت دولت او تنها به پناهجویان اهل مناطق نزدیک مرز دو کشور که نبرد در آنها جریان دارد، اجازه ورود می‌دهد.

لبنان در حال حاضر میزبان بیش از یک میلیون پناهجوی سوری است.

آقای گوتراس به بی‌بی‌سی گفت مذاکره با لبنان در جریان است اما افزود زادگاه آدم‌ها نباید ملاک پذیرش پناهجویی آنها باشد.

وی گفت اگر به این شکل مانع ورود افراد شویم، این خطر وجود دارد که یک موقعیت ناگوار به یک فاجعه تبدیل شود.

بی بی سی



سکینه عمرانی، نماینده خمینی شهر خانم‌ها در خانه بنشینند و والیبالی نگاه کنند زهره طبیب زاده نوری، نماینده تهران نظری ندارم

فاطمه آلیا، نماینده تهران کار زن شوهرداری است نه والیبالی دیدن [به قول معروف: وای به حال بخش ناچیزی از مردم که ادعای نماینده گان زنی از این قبیل را در دفاع از حقوق زنان باورکنند و در جهل مرکب باقی بمانند! رنجبر]

پورمحمدی: از هر ۱۰۰ هزار ایرانی، ۲۸۳ نفر در زندان است/ نزدیک ۱۰ میلیون پرونده در سال ۹۲ وارد قوه قضائیه شده

مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری ایران اعلام کرده است که به طور متوسط در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت کشور، ۲۸۳ نفر در زندان به سر می‌برند.

آقای پورمحمدی از کاهش ۳ و ۷ درصدی زندانیان در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱ خبر داده و گفته ۲۱۷ هزار و ۸۵۱ نفر مددجو اکنون در زندان‌های ایران هستند.

وزیر دادگستری ایران در همایش سالیانه قوه قضائیه که با حضور روسای جمهور، مجلس و قوه قضائیه برگزار شده سخنرانی کرده است. آقای پورمحمدی بودجه قوه قضائیه ایران را ۴ هزار و ۷۲۸ میلیارد تومان اعلام کرد.

بر اساس گفته های آقای پورمحمدی، در سال ۱۳۹۲ در مجموع ۹ میلیون و ۸۱۶ هزار و ۴۲۸ پرونده وارد قوه قضائیه شده که ۶ میلیون و ۲۲۰ هزار و ۹۹۵ پرونده به واحدهای قضایی و ۳ میلیون و ۵۹۵ هزار و ۳۳۳ پرونده به شورای حل اختلاف فرستاده شده است.

بی بی سی - ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴

سازمان ملل: تعداد پناهندگان و آوارگان در سال ۲۰۱۳ از پنجاه



میلیون گذشت

آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد می‌گوید در سال گذشته میلادی (۲۰۱۳) بیش از

از خانم‌های خبرنگار که آیدی کارت فدراسیون والیبالی را هم گرفته بودند، ابتدا وارد سالن شدند و پس از دقایقی مسئولان نیروی انتظامی آن‌ها را به بیرون از ورزشگاه هدایت کردند. مسئولان نیروی انتظامی به این خبرنگاران گفتند که فقط خانم‌هایی که از عوامل اجرایی مسابقه هستند حق حضور در سالن را دارند.

این در حالی است که در حاشیه بازی تیم ملی والیبالی ایران با برزیل گزارش شد برخی از زنان هوادار تیم ملی با پوشیدن پیراهن‌های تیم برزیل و با ایجاد این تصویر که از هواداران رقیب هستند توانستند وارد ورزشگاه شوند. این همه در حالی است که شهیندخت مولوردی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان، روز ۲۶ خرداد گفته بود که به دستور حسن روحانی قرار شده تا گفتگوهایی با محمود گودرزی، وزیر ورزش، در مورد مسئله حضور زنان در سالن مسابقات والیبالی صورت بگیرد.

ممانعت از ورود زنان به ورزشگاه آزادی تهران در مجلس شورای اسلامی نیز واکنش‌هایی را به همراه داشت. سخنگوی هیئت رئیسه مجلس به خبرگزاری خانه ملت گفت که «مخالفت کلی برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها وجود ندارد، بلکه تنها باید شرایط آن را مهیا کرد». در همین حال کمال الدین پیر مودن نیز در جلسه علنی روز یکشنبه هفته گذشته علنا به موضوع جلوگیری از ورود زنان به ورزشگاه اعتراض کرد و آن را از حقوق مسلم زنان ایرانی دانست.

با این همه دبیر فدراسیون والیبالی پیش از این گفته بود که «بهتر است خانم در خانه بنشینند و برای تیمشان دعا کنند». در این شرایط ۶ نفر از اعضای فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با پیام نو نظر خود را درباره اتفاقات حاشیه ای دیدار تیم های والیبالی ایران و ایتالیا بیان کردند. سوال پیام نو از این ۶ نفر درباره اخبار منتشر شده از برخورد نیروی انتظامی با برخی از زنان حاضر در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی و همچنین نظر آنها درباره تسهیل ورود زنان به ورزشگاهها است. یکم تیر ۱۳۹۳ برابر با بیست و دوم ژوئن ۲۰۱۴

نیره اخوان بی طرف، نماینده اصفهان می‌خواهند علیه نظام بهره‌بردار سیاسی کنند شهلا میر گلو بیات، نماینده ساوه زنان نیمی از جامعه هستند و باید به خواسته های آنها توجه شود

لاله افتخاری، نماینده تهران دنبال بهبود نیستند، می‌خواهند سروصداهای بیاندازند



در جبهه جهانی کارگران ... بقیه از صفحه آخر

به توافق رسیدیم. تمامی تصمیمات به اتفاق آراء گرفته شدند.

• در این دیدار یک قطعنامه اعتراضی به دولت‌های بلژیک و آلمان تهیه شد به خاطر کارشکنی در کار گروه هماهنگی بین‌المللی. آنها از ورود عضوانتخاب شده از کنگو به نام اوژن جلو گیری نمودند. به او با دلایل ظاهری بی پایه و از جمله ممانعت از تشکیل هماهنگی بین‌المللی معدنچیان ویزا ندادند.

• گزارشات از کشورها و قاره‌ها به ما دیدی کلی نسبت به وضعیت و تکامل اوضاع و مبارزات معدنچیان دادند. روشن شد که تاثیر کنفرانس جهانی معدنچیان تاثیر در تمامی قاره‌ها دارد که انتظارات بزرگی از آن دارند و بسیاری ارتباطات جدید از تاریخ ایجاد این تجمع بوجود آمده است.

• گزارش هماهنگی کننده عمده تا دیساک/ از آلمان به اتفاق آراء پذیرفته شد و وظایف هماهنگ کننده ی عمده باز هم دقیقتر ارائه گردید. تایید شد که تصمیمات توسط گروه هماهنگی بین‌المللی گرفته شده است.

• دومین کنفرانس بین‌المللی کارگران معدن در سال 2017 در هندوستان برگزار می شود. چندین انجمن سندیکائی در هندوستان موافق حمایت از آنند. آنها مایل به اندیشیدن و تصمیم گیری در ساختمان مشترک باسندیکاهای کارگران معدن در 6 ماه آینده می باشند.

• ما در مورد ارزیابی مشترک از اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران معدن در 2013 در پرو توافق کردیم. گزارش مختصری از این ارزیابی به زودی انتشار خواهد یافت و به شما فرستاده می شود. این که تجربه ارزیابی شده کنونی پایه ای خوب برای هماهنگی کارگران معدن می باشد.

• ما در مورد مهم ترین اسناد و نقش اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران معدن کار کردیم. این جزوه ای برای توزیع وسیع است. درخواست زیاد در مورد شناساندن هماهنگی بین‌المللی کارگران معدن و جلب اعضای جدید می شود. جزوه به مثابه یک پوشه ای به زبانهای مختلف انتشار می یابد.

• در دیدار تمرکز روی سازماندهی بیشتر

بود. مهم بود که ما تاکید کردیم چه کسی بخشی از هماهنگی کارگران معدن بر اساس کنفرانس بین‌المللی اول کارگران معدن باید باشد. سازمانها، جنبشها و اتحادیه های کارگران معدن می توانند عضو هماهنگی بین‌المللی باشند. آنها باید قطعنامه تاسیس و اطلاعیه پایانی اولین کنفرانس را در آرکوپا در 2013 بپذیرند. آنها حق فرستادن نماینده گان یا شرکت در انتخاب هیئت نماینده در سطح کشور، قاره و بین‌المللی دارند. آنها موظف به شرکت در ساختمان هماهنگی بین‌المللی کارگران معدن طبق امکانات شان و در کمک مالی کردن به آن می باشند. آنها با این سند می توانند از شما درخواست کنند تا تقاضای عضویت بدهید و یا عضو جدید بشوید. با پرکردن آن سند و امضای آن به دفتر گروه هماهنگی بین‌المللی و یا مسئول در قاره‌ها باید فرستاده شود.

• ما در مورد افراد مسئول در قاره‌ها، و تصمیم نهائی را در مورد آنانی که به دیدار نیابند تصمیم گرفتیم. آنها عبارتند از:

در آفریقا: اوژن بادینگانا کاپونگو/ کنگو (و نماینده دیگر، در صورت امکان از آفریقای جنوبی)

در آمریکا: فردی آرناس کاما / پرو و جائیم آروالو یا آلهاندرو فوررس / کلمبیا

در آسیا: پرادپ بورگولا کومار / هندوستان و امیلیا یانتی / اندونزی.

در اروپا: آندراس تادیساک / آلمان (پیشنهاد شد که نماینده دیگری از لهستان یا اسپانیا شرکت کنند)

در شمال اروپا/ شمال آسیا: پاول شومکین / قزاقستان (و نماینده دیگر احتمالاً از روسیه)

آنها وظیفه حمایت از اعضاء و ارتباط در منطقه شان و جذب افراد جدید را دارند.

• ماتصمیم به ایجاد شبکه بین‌المللی مترجمان را گرفتیم. از هر عضو درخواست گرفتن مسئولیت در این باره می شود. این به معنای تهیه کردن سند و اطلاعات در زبانهای مختلف در صورت امکان، و فراهم نمودن مترجمان برای گروه مترجم گروه هماهنگی بین‌المللی است. تمامی مقالات را تنها می توان در وبسایت به زبانهایی که فرستاده شده گذاشت. اسناد و مقالات گروه

هماهنگی بین‌المللی در آن صفحه در 5 زبان انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، روسی و آلمانی گذاشته می شود.

برای تامین مالی کارها گ.ه.ب. ماتصمیم گرفتیم در درجه اول، هر عضو مسئول کمک دهی مالی برای تمامی کارش است و باید با تکیه به توده ها پول جمع آوری کند. به علاوه، اصل هم بسته گی به قوت خود باقی است.

• از هر عضو درخواست می شود به سازماندهی مالی گ.ه.ب. کمک کند و طی یک هفته کمک مالی در سال جمع کند.

• به مثابه فعالیت اول، ما روز بین‌المللی محیط زیست را تدارک می بینیم (6 دسامبر 2014) به عنوان یک فعالیت فرا ملی. فراخوان دیگر گ.ه.ب. داده خواهد شد برای جنبش مبارزه جویانه کارگران معدن در 15 اکتبر، که تمامی اعضاء و حمایت کننده گان می توانند برای بسیج و مبارزه عملی آن روز به کار گرفته شوند.

• ما تصمیم به 2 روز مبارزه در سال گرفتیم. بعد از روز مبارزه برای محیط زیست، هم چنین اول ماه مه روز بین‌المللی مبارزه برای طبقه کارگر. در اول ماه مه 2015 روی مسئله مزد و مبارزه علیه آژانس، به طور موقت و قرارداد کاری تمرکز می دهیم. بدین منظور، ما نیاز به اطلاعات، تحلیلها و پیشنهادات برای درخواست مشترک داریم. تا فراخوان مشترکی بدهیم (لطفا آنها را به پرادپ کومار / هندوستان یا به دفتر گ.ه.ب. تا اول اکتبر 2014 بفرستید). فراخوان تا اول فوریه نوشته می شود و امضاها می توانند تا 15 مارس 2015 انجام پذیرند. سپس فراخوان همراه امضاها انتشار خواهد یافت.

وب سایت بین‌المللی www.miners-conference.org فرضاً یک وسیله کارمهمی خواهد شد. از هر سازمان عضو ه.ب.ک.م. درخواست می شود به طور منظمی گزارشدهی نموده و برای تازه تر نمودن اطلاعات سریعاً اقدام کنند. مقالات به زبانی که نوشته شده و فرستاده شده انتشار داده خواهد شد. گ.ه.ب. انتشارات خود را ترجمه خواهد کرد. وبسایت مرتباً به روز می شود.

همان طوری که ملاحظه می کنید ما

کارگران همه کشورها، متحد شوید!



نظام و پیرامونی های دربند) در تمام مراحل تاریخی سرمایه داری، باز تولید گشته است. - اما آنچه که در فاز فعلی جهانی گرائی (بازار آزاد نئولیبرالی) شایان ذکر و توجه است این است که پروسه جهانی گرائی کنونی و بقای ویرانساز آن با ظهور و عروج امپریالیسم سه سره (آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن) در ۲۴ سال گذشته (از ۱۹۹۱ به این سو تا به حال ۲۰۱۴) ارتباط تنگاتنگ و مستقیم داشته است. به عبارت دیگر جهانی گرائی عصر حاضر (گسترش بازار آزاد نئولیبرالی در دوره بعد از پایان جنگ سرد = از آغاز دهه ۱۹۹۰ به این سو) یک امر جدائی ناپذیر از کنترل بلامنازع دسترسی به منابع طبیعی کره خاکی توسط امپریالیسم سه سره (هسته گرهی جهان تک قطبی)، بوده است. توضیح اینکه در عصر کنونی تضاد بین مرکز و پیرامونی (تلاقی شمال - جنوب) یک گره مهم (و کلید اصلی) در روند هر نوع دگرذیسی در جهت عبور از سرمایه داری واقعا موجود به "جهانی بهتر" محسوب می گردد. دقیقا به این جهت "کنترل نظامی جهان" از نظر سران سه گانه نظام جهانی به یک ضرورت مطلق برای بقای آنها در دوران ما در آمده است. بر این اساس راس نظام دست به جنگ ها و ماجراجویی های نظامی خانمانسوزی در اکناف جهان به ویژه در کشور های پیرامونی می زند که در تاریخ ۱۲۵ ساله مرحله سرمایه داری انحصاری عموما کم سابقه و حتی بی نظیر می باشد.

نظامیگری و جنگ های ساخت آمریکا در اکناف جهان

- جنگ های ساخت آمریکا در جهت تامین بقاء و تامین موقعیت هژمونیکی خود به عنوان راس نظام سرمایه داری جهانی (همراه با عبور از بحران ساختاری) فقط محدود به جنگ های خانمانسوز مرئی و آشنا (مثل جنگ های یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی و...) نمی شوند. بلکه امروز آمریکا و شرکاء تحقیقا در ۷۰ تا ۱۲۰ کشور در اکناف جهان درگیر جنگ های هستند که عموما برملا و رسانه ای نگشته و بلکه به طور مخفی و نامرئی به پیش برده می شوند. در این کشورها که آمریکا دارای پایگاه های عظیم نظامی (و یا حضور نظامی قوی) است این جنگ ها به طور مخفی توسط درون ها (پهپادها) و یا "تیروری های ویژه نظامی" متعلق به سازمان "سیا" و ۲۵ سازمان نظامی - اطلاعاتی متعلق به "آژانس ملی امنیتی" آمریکا، به پیش

روزهای موفق کاری داشتیم. تمامی تصمیمات به اتفاق آراء گرفته شدند. ما دوست داریم از تمامی آنانی که با تمام وجود کمک کردند تشکر کنیم. این به ویژه شامل سازماندهی جشن جنبش کارگران مبارز معدن "Kampel fur AUF" می شود. آنها یک هم بسته گی بزرگی را برای روی داد شنبه عصر سازماندهی کردند، با تقبل بخش بزرگ مالی برای مخارج سفر و دیدارمان. رفقای عزیز،

موفقه ها و ویژگی های جهانی گرائی عصر کنونی

- تجمع و تمرکز سرمایه امروز بیش از هر زمانی در گذشته تاریخ سرمایه داری انحصاری منبع و سرآغاز مالی تر گشتن نظام سرمایه داری شده است. از این طریق اولیگوپولی ها ارزش اضافی جهانی را که توسط بخش تولیدی نظام اخذ می گردد، بلعیده و بدین وسیله در صد سود خود را به طور نجومی افزایش می دهند. این برداشت و وصول توسط اولیگوپولی ها با دسترسی بلامنازع و کنترل بی قید و شرط آنان بر بازارهای پولی و مالی میسر می گردد: بازارهایی که امروز به ابر بازارهای مسلط بر تمام بازارهای تولیدی متعلق به بخش مولده نظام، تبدیل شده اند.

- مالی تر سازی، بیش از پیش یک شرط ضروری برای بازتولید و رشد اولیگوپولی های عمومی تر شده است. به عبارت دیگر تا زمانی که این اولیگوپولی ها در بازار آزاد نئولیبرالی از امتیازات و موقعیت خصوصی بودن برخوردار بوده و الیگارشی های دولتی تحت فرمان آنها در "بازار آزاد" به بزرگی این جهان در خدمت حفظ منافع آنها (انباشت سرمایه) هستند، عمومی تر و مالی تر شدن سرمایه به پروسه عمر خود به عنوان دو پدیده لازم و ملزوم هم ادامه خواهند داد.

- مضافا سرمایه داری عمومی تر و مالی تر اولیگوپولی ها نیز به طور روز افزونی به ویژه در ۴۰ سال گذشته جهانی تر گشته اند. در اینجا دوباره باید بر این نکته اشاره کرد که جهانی گرائی سرمایه (گلوبالیزاسیون) به هیچ عنوان نمی تواند یک ویژگی جدید الخلقه و نوینی در سرمایه داری محسوب گردد. پیشینه جهانی گرائی سرمایه به آغاز تولد آن در دهه های آخر قرن چهاردهم می رسد. در طول متجاوز از پانصد سال گذشته، حرکت سرمایه جهانی بوده و این جهانی گرائی پیوسته با ویژگی شکاف اندازی = پولاریزاسیون (ایجاد شکاف مادی و معنوی روز افزون بین مرکزهای مسلط

روزهای موفق کاری داشتیم. تمامی تصمیمات به اتفاق آراء گرفته شدند. ما دوست داریم از تمامی آنانی که با تمام وجود کمک کردند تشکر کنیم. این به ویژه شامل سازماندهی جشن جنبش کارگران مبارز معدن "Kampel fur AUF" می شود. آنها یک هم بسته گی بزرگی را برای روی داد شنبه عصر سازماندهی کردند، با تقبل بخش بزرگ مالی برای مخارج سفر و دیدارمان. رفقای عزیز،

ما در راه درستی قرار گرفته ایم. من مطمئن هستم که شکل جدید سازمان ما رشد یافته و تعداد زیادی از نیروهای جدید و حمایت کننده گان را جلب خواهد کرد.

اجاره دهید این کار را پیش ببریم، بگذارید هماهنگی کارگران معدن و مبارزات آنان را به پیش ببریم. ما نگاه به آینده داریم برای گزارشات، پیشنهادات و ابتکارات.

خوش شناس برگردید (Glückauf)
گروه هماهنگی بین المللی شما
از جانب آندرناس تادیسیاک، هماهنگ کننده اصلی

تقاضای عضویت

اسم

.....
سازمان جنبش معدنچیان کشور -
تاریخ

.....
آدرس برای تماس گرفتن

.....
ما می خواهیم عضو هماهنگی بین المللی معدنچیان شویم

.....
ما اعلام تاسیس و اطلاعیه آخری اولین کنفرانس بین المللی معدنچیان را در آرکویبا، پرو در 2013 می پذیریم.
امضاء

.....
در مورد سازمان ما :
ما دوست داریم/شاید بتوانیم سهمی درکنگره آینده هماهنگی بین المللی معدنچیان داشته باشیم :





برده می شوند. اوضاع رو به رشد نشان می دهد که با گذشت مدت زمان و عروج امواج اندیشه ها و فعالیت های ضد جنگ در کشورهای آمریکا و اروپا، نوع جنگ های نامرئی و مخفی در مقایسه با جنگ های مرئی و آشکار افزایش فوق العاده یافته است. بازیگر اصلی جنگ های مخفی مرکز فرماندهی عملیات ویژه (جی.اس. او. سی) است که مسلح به آخرین تسلیحات نو ساخت پنتاگون، منجمله پهپاد ها است.

- "جی.اس.او.سی" در سال ۱۹۸۰ (بعد از ناکامی آمریکا در آزادی گروگان های آمریکائی از سفارت آمریکا در تهران) توسط رژیم رونالد ریگان و پنتاگون ایجاد گشت و بلافاصله به عنوان یک نهاد مرموز و اسرار آمیز در هیرارشی نظامی دولت آمریکا، قرار گرفت این نهاد در دوره ریاست جمهوری جورج بوش پسر گسترش یافت و در دوره ریاست جمهوری اوباما به عنوان یک نهاد بزرگ تصمیم گیری در تاروپود نظام پلیسی - نظامی - امنیتی راس نظام ادغام گشت.

- با اینکه "سازمان نیروهای ویژه" در جنگ های نامرئی با سازمان سیا همکاری می کند ولی در مقابل صاحبان نظام با آن سازمان دو تفاوت اساسی دارد که اشاره به آنها حائز اهمیت هستند. یکم اینکه سازمان سیا که در سال ۱۹۴۷ در بحبوحه جنگ سرد ایجاد گشت به اصطلاح موظف است که عملیات خود را به کنگره گزارش دهد. در صورتی که "نیروی ویژه" موظف هستند که فعالیت های (آنهم مهم) خود را فقط به "شورای امنیت ملی" در کاخ سفید گزارش دهد. دوم اینکه سازمان سیا موظف است که مدارک مربوط به هر واقعه ای را که در آن شرکت داشته (مثل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ = ۱۹۵۳) بعد از گذشت پنجاه سال در معرض عموم قرار دهد. در صورتی که سازمان نیروهای ویژه این چنین وظیفه ای را ندارد. در نتیجه جنایات این نهاد ویژه امنیتی در کشورهای پیرامونی (از یمن، جیبوتی، سومالی، سودان جنوبی و... گرفته تا پاکستان، برمه، فلپین و... که مشمول جنگ های "نامرئی" نظام گشته اند) برملا و در دسترس عموم منجمله مردم آمریکا قرار نمی گیرند مگر از سوی روزنامه نگاران و گزارشگران والائی مثل سیمور هرش و یا رسوا کنندگان با وجدانی مثل ادوارد اسنودن.

- به هر رو، امروز بر اساس تصمیم دولت اوباما در سال ۲۰۰۹، نهاد "نیروهای

عملیات" موظف است که فعالیت های جاسوسی - امنیتی و نظامی آمریکا را در سراسر جهان گسترش دهد. این نیروی ویژه به ترتیب در کشورهای خاورمیانه، آسیای جنوبی و آسیای مرکزی و سپس در کشورهای شاخ آفریقا (سومالی، اتیوپی، جیبوتی) و متعاقباً در شرق، غرب، شمال و جنوب قاره آفریقا در سال های اخیر (از ۲۰۰۱ تاکنون ۲۰۱۴) حضور مخفی پیدا کرده و دست به فعالیت های جاسوسی و نظامی زده اند. ولی جنگ های نامرئی و فعالیت های امنیتی - نظامی - جاسوسی نیروهای ویژه فقط محدود به کشورها و مناطق آسیا و آفریقا نبوده بلکه در سال های اخیر (از ۲۰۱۲ به این سو) در کشورهای کناره اقیانوس آرام (قاره اقیانوسیه) و آمریکای لاتین (کشورهای آمریکای مرکزی، شمالی و جزایر کارائیب) نیز حضور فعال پیدا کرده اند.

- نیروهای ویژه که نقش اصلی را در پیشبرد جنگ های مخفی - نامرئی دارند در تاروپود نیروهای نظامی از نظر هیرارشی تحت فرمان مقرهای فرماندهی آمریکا در مناطق گوناگون جهان هستند که تعدادشان در حال حاضر به شش مقر منطقه ای می رسند، که عبارتند از:

- منطقه استقرار سال تاسیس**
- ۱ - مقر اروپائی (بوروکام) ۱۹۴۷
 - ۲ - مقر کناره پاسیفیک و آسیا (پاکام) ۱۹۴۷
 - ۳ - مقر فرماندهی جنوب: آمریکای مرکزی، جنوبی و جزایر کارائیب (سات کام) ۱۹۶۳
 - ۴ - مقر فرماندهی خاورمیانه و آسیای مرکزی (سنت کام) ۱۹۸۳
 - ۵ - مقر فرماندهی آمریکای شمالی (نورث کام) ۲۰۰۲
 - ۶ - مقر فرماندهی آفریقا (افری کام) ۲۰۰۷
- برخلاف تصویری که دولتمردان متعلق به نظام سه سره امپریالیستی و رسانه های گروهی فرمانبر روزانه در اختیار مردم می گذارند در حال حاضر راس نظام و شرکاء در متجاوز از ۱۰۰ کشور یک رشته جنگ های مخفی و نامرئی را به پیش می برند که ۷۵ درصد آن جنگ ها توسط ستاد "افری کام" و "نیروهای ویژه" در قاره آفریقا به وقوع می پیوندند که برخلاف جنگ های عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و... برملا و رسانه ای تر نگشته اند. چون عطف توجه به بررسی جنگ های نامرئی ساخت آمریکا در آفریقا شایان بررسی و حائز اهمیت است، در اینجا بعد از اشاره کوتاه به دو نکته توضیحی در مورد این مقوله به چند و چون این جنگ های خانمانسوز و فلاکت بار در قاره آفریقا می پردازیم:

- افری کام (مقر فرماندهی آمریکا در آفریقا) نه در آفریقا بلکه در آلمان قرار دارد و تاکنون هیچ کشوری در آفریقا نخواسته و یا نتوانسته که مهمان داری مقر فرماندهی نظامی آمریکا را بپذیرد. علت این امر مخالفت جدی و فراگیر مردمان کشورهای آفریقا با این نوع "مهمان داری" است. اولیگارش های حاکم در کشورهای سه سره امپریالیستی تلاش کرده و امیدوار بودند که بعد از سرنگونی رژیم معمر قذافی مقر فرماندهی آفریقا را از آلمان به کشور لیبی منتقل سازند ولی هنوز بعد از دو سال و نیم که از سرنگونی رژیم قذافی می گذرد، آنها نتوانسته اند موفق به انتقال آن مقر به لیبی گردند.

- نکته دوم اینکه آفریقا در ۲۴ سال گذشته (از ۱۹۹۰ به این سو) به تدریج به ثروتمندترین و سوق الجیشی ترین قاره در کره خاکی تبدیل گشته است. اکتشاف منابع طبیعی و مواد معدنی متنوع و متعدد در سراسر قاره آفریقا (از لیبی گرفته تا آفریقای جنوبی در جنوب این قاره) به خوبی نشان می دهند که چهار انحصار بزرگ (تکنولوژی، مالی، اطلاعات - ارتباطات و تسلیحات کشتار همگانی) نمی توانند بدون تسلط کامل بر منابع طبیعی و مواد معدنی (انحصار پنجم) به بقای خود ادامه دهند.

گسترش نظامیگری آمریکا در قاره آفریقا

- از یازده سپتامبر ۲۰۱۱ به این سو ما شاهد حرکت های نظامی راس نظام در قاره آفریقا هستیم. علیرغم قول و قرارهای "افری کام" مبنی بر اینکه فعالیت های نظامی آمریکا در قاره آفریقا باید بسیار محدود و در "حد کم" باقی بمانند ولی طبق گزارش تحقیقی "تام دیس پیچ" در سال ۲۰۱۳ آمریکا در ۴۹ کشور آفریقائی از کل ۵۴ کشور موجود در قاره آفریقا، حضور نظامی پیدا کرده و تقریباً در کلیه جنگ های مرئی و نامرئی آفریقا به عنوان یک عامل اصلی نقش اساسی ایفاء می کند. ولی بررسی اوضاع رو به رشد و ماجراجویی های نظامی آمریکا نشان می دهد که اولیگارش های آمریکا علیرغم خواست و آرزوی "انحصارات پنجگانه" هنوز نتوانسته کنترل نظامی خود را بر کل قاره آفریقا، اعمال نموده و مقر "افری کام" را از آلمان به آفریقا منتقل سازد.

- به هر رو، اهم کشورهای آمریکا توانسته در آنها حضور قوی نظامی داشته باشد، عبارتند از: لیبی، سومالی، اوگاندا، جمهوری آفریقای مرکزی، سودان جنوبی، مالی، نیجر، چاد، موریتانیا، نیجریه،



برای شناسائی آن نیست. ضروری است که ما بعد از بررسی دیدگاه ها و عملکردهای رهبران بوکوحرام، دریابیم که آنها نیز مثل وهابی ها، و لائی ها، صهیونیست ها، هندوتواها، لامانیست ها، ایوانجلیکاها و... خواهان انتقال جامعه به پیش و شرکت در تغییر سیستم حاکم بر جهان فعلی و تنظیم "جهانی بهتر" نیستند. در یک کلام رهبران بوکوحرام نیز با مغز خود نینادیشیده و سازمان های پلیستی - نظامی، امنیتی - اطلاعاتی کشورهای سه سره امپریالیستی (که در دست در زیر کنترل انحصارات پنجگانه اولیگوپولی های جهانی هستند) به جای آنها می اندیشند.

نتیجه اینکه

- هدف الیگوپولی های عمومی تر، مالی تر و جهانی تر گشته (همراه با نیروهای سیاسی فرمانبر خود) در کشورهای سه سره امپریالیستی عبور از بحران ساختاری نظام و تامین بقای هژمونیک نظامی خود بر کلیه کره زمین است. ولی تامین بقای نظام بدون تاراج منابع طبیعی کشورهای پیرامونی از طریق اشتعال جنگ های بی پایان مرئی و نامرئی نمی تواند میسر گردد. لاجرم قربانیان اصلی این بقا و عبور از بحران ساختاری نظام، ملیت - دولت ها و توده های میلیاردری در بخش جنوب خواهند بود. بر این اساس وقوع تلاقی های "جنوب - شمال" در آینده بیش از هر زمانی در گذشته فراگیرتر و شدیدتر خواهد بود. عکس العمل ها و راه حل هایی که مردمان "جنوب" در مقابله با جنگ ها و ماجراجویی های راس نظام و شرکاء (که هدفشان تاراج منابع طبیعی قاره آفریقا است) اتخاذ خواهند کرد به احتمال قوی در تغییر و دگرپسندی نظام جهانی سرمایه نقش تعیین کننده ایفاء خواهند کرد.

- این پاسخ ها و استراتژی ها با اینکه در اول امکان دارد که خود سرمایه داری را ضرورتا به طور مستقیم زیر ضربه قرار ندهند ولی بدون تردید و مطمئنا خطوط و فرامین جهانی گرائی را در آینده نزدیک به چالش جدی تاریخساز، خواهند کشید.

- در پرتو این اوضاع پر از تلاطم و تاریخساز که روندش دانما تشدید می یابد، چالشگران رادیکال ضد نظام چه باید بکنند؟ به قول خوزه مرسی معاون رهبر جنبش زاپاتیستا (که در بیستمین سالگرد قیام زاپاتیستاها در مکزیک طی اعلامیه ای به مردم آمریکای لاتین تهنیت گفت) ما چالشگران ضد نظام که معتقد به

متوسل به جنگ های مستقیم و مرئی (در سومالی، لیبی و...) و یا جنگ های نیابتی و نامرئی (در مالی، سودان، جمهوری آفریقای مرکزی و...) گشته است. در بخش ها و کشورهایی که آمریکا و شرکا نتوانسته اند به حربه های گوناگون جنگی دست بزنند لاجرم متوسل به حیل و بهانه های غیر جنگی گشته و نتیجتا در آن بخش ها و کشورها نیز موفق به گسترش و تقویت حضور نظامی خود (در جیبوتی، کنیا، اوگاندا، نامیبیا و...) گشته اند. یکی از نمونه های این حیل و بهانه ها که اخیرا آمریکا به آن متوسل گشت اعلام کمک های امنیتی و نظامی آمریکا به دولت نیجریه در جهت "رهائی" نزدیک به ۳۰۰ دختر و زن جوان در شمال شرقی نیجریه است که توسط سازمان بنیادگرای بوکوحرام به عنوان گروگان ربوده شده اند.

- به عبارت دیگر آمریکا به بهانه رهائی این دختران و زنان می خواهد حضور نظامی خود را در کشور نیجریه (که از نظر جمعیت و نیروی کار هشتمین کشور بزرگ جهان و از نظر اقتصادی اولین کشور ثروتمند قاره آفریقا است) گسترش داده و در آنجا پایگاه نظامی "افری کام" را بنا سازد. با کمی دقت به روشنی ما شاهد یک شعبده بازی دیگر آمریکائی در قاره آفریقا می باشیم. توضیح اینکه نجات و آزادی این دختران و زنان بی گناه بدون قلع و قمع بوکوحرام، امکان ندارد. ولی آیا رهبران و فعالین اصلی بوکوحرام با استقلال فکری خود به این جنایت دست زده اند؟ نیم نگاهی به هویت بعضی از رهبران بوکوحرام (محمد یوسف، ابوبکر شیکائو و...) نشان می دهد که پیشینه تعلیم و تربیت دینی - مذهبی (بنیادگرایانه) و سپس آموزش نظامی - تروریستی آنها به دهه های ۸۰، ۹۰ و ۲۰۰۰ به افغانستان، پاکستان و سپس به سومالی و کشورهای خلیج فارس می رسد و از نظر طبقه بندی نیز به سلفیست های تکفیری (بخش القاعده) تعلق دارند.

- پدیده سلفیه و جنبش ها و احزاب و سازمان های سیاسی برآمده از آنها صرفا از درون متون کلاسیک و سنتی اسلامی و یا از درون جوامع پیشا استعماری و پیشا مدرنیته مسلمانان در نیامده و تحقیقا پدیده جدید در عصر انحصاری سرمایه داری جهانی به ویژه در دوره بعد از پایان جنگ سرد است. این امر در مورد تمام بنیادگرایان دینی - مذهبی دیگر نیز صدق می کند. به هر رو، به صرف اینکه سازمان بنیادگرای بوکوحرام مثل دیگر بنیادگراها پدیده "مدرن" و نو ظهور در تاریخ معاصر است، کافی

گینه، بورکینافاسو، ساحل عاج، توگو، لیبیا، گامبیا، سیرالئون، کنیا، کنگو (کین شاسا)، بوروندی و... کشورهای امپریالیستی غرب بعد از حمله های نظامی مستقیم و یا اشتعال جنگ های نیابتی در تعدادی از این کشورها (بعد از فرسوده و درمانده ساختن آنها) توانسته حضور نظامی قوی بوجود آورد. امروز سومالی، مالی، کنگو، چاد، جمهوری آفریقای مرکزی و... نمونه هایی از این نوع کشورها هستند.

- مضافا دولت های آمریکا و شرکاء برای تشدید نفوذ و گسترش نظامی در قاره آفریقا به حیل و بهانه های دیگری متوسل گشته اند که حائز اهمیت هستند. به طور مثال، در نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ و سپس در سال ۲۰۱۰، دولت اوباما با تشدید حمایت نظامی خود از جدائی طلبان جنوب سودان موفق شد که در سال ۲۰۱۱ به بهانه حمایت از "حق تعیین سرنوشت ملی" از یک سو و با توسل به استراتژی "مداخله بشردوستانه" از سوی دیگر، ملت - دولت سودان را طی یک فرآیندوم قلبی به دو کشور سودان و سودان جنوبی، تقسیم کند. هدف اولیگوپولی های پنجگانه (و دولت های فرمانبر سه سره امپریالیستی آنها) از تقسیم سودان به دو کشور در وهله اول تسلط کامل بر بخش اعظم کشور سودان که در بخش جنوب آن کشور قرار دارد، بود. ولی تسلط کامل بر نفت سودان بخشی از سیاست جهانی نظام در ارتباط با مهار چین و جلوگیری از گسترش آن کشور در حال عروج در قاره آفریقا منجمله شرق آفریقا (به ویژه سودان)، می باشد.

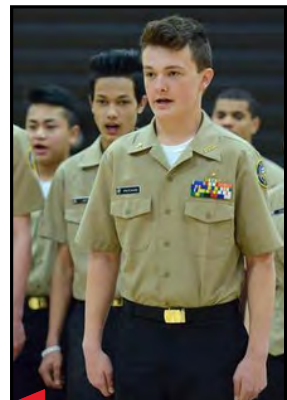
- بر این اساس روشن است که سیاست آمریکا هیچ ربطی نه با خواست ملی مردم دینکا تبار در جنوب سودان داشته و نه یک حرکتی در جهت حمایت بشردوستانه از مردم سودان جنوبی بوده و امروز هم ندارد. توضیح اینکه هم اکنون (تابستان ۲۰۱۴) کشور سودان جنوبی که با "حمایت و کرامت" راس نظام در سال ۲۰۱۱ بوجود آمد در باتلاق یک جنگ داخلی خانمانسوزی بین دو ملیت دینکا و نوئر فرو رفته که اگر ادامه یابد آن کشور را بعد از درماندگی و فرسودگی به صف ملت - دولت های وامانده و تحلیل رفته (مثل سومالی، مالی و...) ملحق خواهد ساخت.

- بررسی اوضاع به رشد سیاسی در آفریقا در ۲۰ سال گذشته نشان می دهد که دولتمردان راس نظام در دوره بعد از پایان "جنگ سرد" برای تسلط کامل بر منابع طبیعی آفریقا و جلوگیری از نفوذ چین در آفریقا



علاوه بر این، دانش آموزان ثبت نام کرده در آکادمی اولین واکنشگر، آکادمی اداره امنیت ملی و آکادمی علوم نظامی، هم چنین چهار سال زبان عربی، زبان انگلیسی با اشاره مورد محبوب و کمرو نباشیم، این زبانها در واقع مورد نیاز امپریالیسم آمریکا در درگیریهای تجاوزکارانه بیشتر، و وب سایت ایالتی مرکز آموزشی منطقه ای سیراکیوس می باشد، که «جامعه مأموران آگاهی در این مورد نیاز به مترجمان، مهندسان، دانشمندان و دیگر حرفه ای هائی که این زبانها را صحبت می کنند دارند، که کاملاً برای مدیریت اضطراری/ فاجعه ضروری اند.»

سپاه آموزش افسران ذخیره بخشی از تصویب قانون دفاع ملی سال ۱۹۱۶ است که به منظور تلاش برای استخدام نیرو می باشد، هم چنان که ارتش ایالات متحده در جنگ جهانی اول در حال گسترش بود، هم زمان بارش مخالفت‌های توده ای مردم علیه دستیابی به جنگ نیز روبرو بود. این قانون ارتش را مجاز می دارد که در جستجو و تماس با دانش آموزان ۱۷ سال به بالا باشد اما، یک برنامه درست شده ای است برای برقراری تماس آغازین با دانشجویان سنین تا ۱۱ سال برای مدرسه راهنمایی دانشکده افسری. برای بسیاری از دهه ها، سپاه آموزش افسران ذخیره نوپا به عنوان باشگاه در دبیرستانهای دولتی عمل می کردند. چیزی که جدید است اینست که کلیه دبیرستانها به مراکز آموزشی نظامی تبدیل شده اند. تعطیل و بسته شدن دبیرستان فاکر و جایگزینی آن با آکادمی رهبری خدمات عمومی (پی اس ال ای)، بخشی از طرحی است توسط مرکز آموزشی منطقه ای سیراکیوس (اس سی اس دی) به منظور بستن تعداد دبیرستان در سیراکیوس. علاوه بر این دبیرستانها، مدارس ناحیه ای، مدرسه ابتدائی دلور را خواهند بست، هم چنین در بخش غربی شهر و مدرسه ابتدائی هیوز که واقع در جنوب شهر می باشد بسته خواهند شد.



عکس فوق از وب سایت ناحیه ای مدارس شهر سیراکیوس بر گرفته شده که آکادمی علوم نظامی را ترویج می کند.

به «سیراکیوس، خانه سازی نیویورک در مخروبه» و «صنعت زدائی و بیکاری در سیراکیوس، نیویورک».) فرصت های شغلی برای دانش آموزان تنگ دست و آسیب پذیر بسیار محدود و اندک و مشاغل مناسب و معقول نیز محدود می باشند. در نتیجه آنها را به خاطر فقر زدگی در معرض هدف خدمت سربازی اجباری برای نیروهای ارتش و پلیس قرار می دهند. علاوه بر این، آکادمی رهبری جدید خدمات عمومی به استخدام کنندگان دسترسی زودتر را اهدا کرده، به آنها اجازه می دهد که سریعاً وارد شوند که از میان این جوانان **مستاصل** و حاضر اسیر به خدمت نظام گمارده شوند. عکس زیر، کارخانه رها شده در مجاورت دبیرستان فاولر را نشان می دهد.



آکادمی رهبری خدمات عمومی (پی اس ال ای) مرکب از چهار آکادمی حرفه ای، تشکیل خواهد شد. علاوه بر آکادمی علوم نظامی، آکادمی اداره امنیت ملی نیز هست، اول، آکادمی واکنشگران و آکادمی کارآفرینان. این آکادمی ها در طول چهار سال به وجود خواهند آمد، از آغاز سپتامبر امسال با دانش آموزان کلاس نهم سروکار دارند و سالی یک کلاس تحصیلی به آن اضافه خواهد شد.

آکادمی علوم نظامی کار خود را از این سپتامبر شروع می کند. این برنامه شامل آموزش افسران ذخیره سپاه نیروی دریائی می باشد، که به بخشی از بودجه ناحیه مدارس سیراکیوس متکی است. کسانی که ثبت نام کرده اند، شالوده ای در میراث دریائی، اهمیت قدرت دریائی، اصول عملیات نیروی دریائی، مهارت در دریا نوردی، ناوبری و هوا شناسی را بدست می آورند. آکادمی اداره امنیت ملی حل مسائل جنائی را از طریق کامپیوتر، امنیت سایبری و اطلاعات جغرافیائی ویژه نشان خواهد داد. آکادمی اولین واکنشگران تمرکز را بر روی دانش آموزان خواهند گذارد از افسران پلیس، آتش نشان، و تکنسین های اورژانس پزشکی، در حالی که آکادمی کار آفرینی به دانش آموزان، آموزش در لوازم آرایشی و سلمانی، هم چنین در معاملات الکتریکی می دهد.

«استقرار جهانی دیگر امکان دارد هستیم» نباید آرام بنشینیم زیرا زمان و نوبت ما با امیدواری عشق به زندگی برای استقرار جهانی بهتر فرا رسیده است
ن. ناظمی - تیر ۱۳۹۳

منابع و مآخذ

- ۱ - اندرو جی مارشال، "امپراطوری اوباما: جنگ های سری آمریکا در متجاوز از ۱۰۰ کشور در اکناف جهان"، در مجله زی، دسامبر ۲۰۱۳.
- ۲ - نیک ترز، "جنگ های نیابتی آمریکا در آفریقا"، در مجله پمباروکا، شماره ۶۷۲، چهار آوریل ۲۰۱۴.
- ۳ - سمیرامین، "بخشی از نوشته های سمیرامین" در نشریه "چشم انداز کمونیستی"، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۳.
- ۴ - امانوئل والرشتاین، "ننو زیاتیتست ها: بیست سال بعد"، در نشریه "بیگمتمن یونیورسیتی"، اول ماه می ۲۰۱۴.
- ۵ - درباره گروگانگیری "بوکوحرام" در نیجریه و سیاست آمریکا در قبال آن، رجوع کنید به: روزنامه واشنگتن پست، شماره های ۵ تا ۱۳ ماه می ۲۰۱۴.



به خدمت نظامی... بقیه از صفحه آخر

بزرگ شیکاگو قرار دارند. کلیه این مدارس به سپاه آموزش افسران ذخیره (ریزرو) نوپا (جی آر ا تی سی)، که اهدافشان عبارتند از تلقین دانش آموزان با «میهن پرستی»، «اطاعت از قدرت»، و افزایش روزافزون «احترام به نقش نیروهای مسلح ایالات متحده در حمایت از اهداف ملی.»

بسیاری از این مدارس در محله های طبقه کارگر و فقیر نشین قرار دارند و تکیه بر عدم وجود گزینه های شغلی و کالج برای دانش آموزان که از این طریق به آنها فشار وارد می سازند که به نیروهای مسلح بپیوندند. بخش غربی سیراکیوس چنین منطقه ای است. فقر و فاقه سراسر این منطقه شهر را که با افزایش نا برابری در برنامه «بهبود اقتصادی» اوباما، و با سطوح متناوبی از فقر، به ویژه در میان کودکان می باشد، فرا گرفته است. فقر خردسالان به ۵۰ درصد می رسد و برای کسانی که در سنین ۲۴ - ۱۸ می باشند - یعنی کسانی که درست از دبیرستان فارغ التحصیل شدند - در صد بیکاری به دو سوم می رسد. (نگاه کنید



► موشکافی و تهدید برای تنظیم تشکیلات مجدد مدارس در سال ۲۰۰۹ توسط وزارت آموزش و پرورش ایالت نیویورک (ان وای اس ئی دی) و با یک بررسی اخیر به اوج خود رسید، که اشاره به عملکرد ممتد ضعیف دبیرستان فا لُر می کند و بالا تر از همه نیاز به لزوم مداخله شدید دارد. وزارت آموزش و پرورش ایالت نیویورک تصمیم خود را بر اساس پیشرفت نا رسای تحصیلی، که با در نظر گرفتن آنچه دولت به عنوان «سرمایه گذاری مالی قابل توجهی در فا لُر» وصف کرده است، گذاردند.

پولی که توسط دولت به منظور مدیریت دبیرستان فا لُر از سال ۲۰۱۰ تا به حال هزینه شده رو بهم به پنج میلیون و ششصد هزار دلار رسیده است. در طی این مدت کسر بودجه های دیگر با این وجود امکان می داد تعداد آموزگاران کاهش یافته و به موازات آن هم، حجم کلاسهای درسی افزایش یابد، که همراه است با استیصال و درماندگی آموزگاران، دانشجویان و والدین. بدون شک، عامل اصلی تأثیر گذار منفی نسبت به دستاورد دانشجویان به ندرت ذکر شده اند، در زمانی که اصلاحات مورد بحث قرار می گیرند: فقر و نابرابری که به عنوان علل اصلی زوال و نیستی سیستم آموزش و پرورش است، بی اهمیت و به حاشیه رانده شده است.

لیندسی گوردون، معاون او، جو باسک، با گزارشگران وب سایت جهان سوسیالیستی (دبلیو اس دبلیو اس) صحبت کرد. هنگامی که از او در مورد کمبود منابع برای آموزش و پرورش سؤال شد، او به طور برآشفته و آزرده شدید پاسخ داد، «به جای خرج کردن پول روی چیزهای دیگر، برعکس، آنها باید از آموزش و پرورش کودکان ما دفاع کنند.»

او از این آمار مطلع بود که ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد در جهان بیشتر از سه میلیارد و نیم از فقیرترین ها ثروت دارند. او با پرخاش ندا در می داد، «این باید شرم آور باشد» و می گفت، «آنها کوچکترین کاری برای آینده ما انجام نمی دهند، کودکان ما آینده ما هستند.»

وی افزود: «پول باید برای آینده روشن تری صرف گردد؛ به دلیل کاهش بودجه فرزندان ما، به نظر نمی رسد که از آموزش و پرورش و کمک مناسبی برخوردار باشند. فرزندان ما یک فرصت عادلانه نسبت به یک آموزش و پرورش عادلانه نمی گیرند.» لیندسی توضیح داد که چگونه او در مورد آینده فرزند خود نگران است. او گفت: «من

یک دختر دو ساله دارم.» او در سه سال آینده به مدرسه خواهد رفت، و من قصد دارم که مطمئن باشم او آموزش و پرورش مناسبی در یافت می کند. من فکر نمی کنم که این عادلانه باشد. کودکان (عقب مانده که بدست فراموشی سپرده شدند) این مناطق (همواره) کاهش بودجه را دریافت می کنند... بنا براین کاملاً غیر عادلانه و غیر اخلاقی است.»



جو باسک و لیندسی گوردون

جو باسک پر مورد برنامه های نظامی برای دبیرستان فا لُر اظهار نظر کرد و گفت، «ما پول برای جنگ خرج کردیم، که به اعتقاد من می توانست به مراتب بیشتر به منظور نیازهای ما در این کشور خرج شود. داستان دروغی را به خورد ما دادند که با فرستادن نیروی نظامی به آنجا دمکراسی می آورد و من فکر می کنم آن چیز نیست که باید به عهده مردم آنجا گذاشته شود تا خودشان در مورد آن تصمیم بگیرند.» وی اضافه کرد، «هیچ کس نظر ما را نخواست قبل از اینکه وارد جنگ شویم.» او گفت، در حال حاضر برای یک بیمارستان با ۱۵ دلار در ساعت کار می کند و بسیاری از دیگران را می شناسد که با بیکاری و تنگ دستی، کاهش در پول تغذیه (فود استامپ) و فقدان بیمه درمانی تلاش می کنند.

تعدادی از جوانان که نخواستند نامشان فاش شود به شدت در مورد شرایط اقتصادی در این منطقه ابراز نگرانی می کنند. یک نفر جوان گفت، «من می خواهم بگویم که تجربه من که دو سال قبل در دبیرستان فا لُر بودم، دارای کلاسهای بزرگتر (تعدادمحصلین) و مقدار چیزهایی که فرا می گرفتیم برابر با زمانی نبود که من در یک دبیرستان حومه شهر مشغول درس بودم.»

یک دانشجوی ارشد سال آخر که اخیراً امتحانهای نهائی را به پایان رسانده بود، در آن بعد از ظهر گفت، که با بیش از چهار سال تجربه در دبیرستان فا لُر، کاهش قابل توجهی در کیفیت آموزش و پرورش را آنجا مشاهده کرده است. او گفت: برنامه آینده او اینست که برای آموزش عالی برود، اما تقریباً از هر ۳ دانشجو، ۲ نفر از دبیرستان

فا لُر سال آخر ترک تحصیل می کنند و در نتیجه، فارغ التحصیل نمی شوند. فقدان فرصت برای اشتغال، جوانان آسیب پذیر را وادار به پیوستن به خدمت نظام می کند. گذار دبیرستانهای دولتی به مؤسساتی مثل آکادمی رهبری خدمات عمومی در شهر سیراکیوس، ادامه استقرار نظامی گری سیاسی جامعه است، به منظور حمایت از سیاستهای نظامی ایالات متحده و استفاده از اقدامات دولت پلیسی است به منظور اعمال سطوح حتی عمیق تر از نا برابریهای اجتماعی. [توسل به نظامی کردن مدارس پیامی جز احساس خطر برای حاکمیت سرمایه های انحصاری نمی باشد که با انتخاب کودکان برای کشتاندن به ماجراجوییهای نظامی مشغول شده است. این یادآور فرستادن کودکان به جبهه جنگ توسط رژیم هیتلری در اواخر جنگ جهانی دوم می باشد. زنگ خطرپایان حیات نظام پوسیده آمریکا به شمارش افتاده است! رنجبر]



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!

در جنبش جهانی کارگران

International Coordination Group
International Miners'
Coordination (IMC)
Office: Schmalhorststraße 1c;
45899 Gelsenkirchen, Germany
Phone: 0049 209/ 36 17 42 32
e-mail: info@minersconference.org,
Homepage: minersconference.org

Newsletter No. 2 of the International
Coordination Group (ICG)

6 May 2014

دیدار موفقیت آمیز گروه هماهنگی بین
المللی (گ.ه.ب.) از هماهنگی بین المللی
کارگران معدن
به تمام شرکت کننده گان اولین کنفرانس بین
المللی کارگران معدن
به تمام نیروهای شرکت کننده و علاقمند
شرکت در روند آماده سازی
رفقای عزیز،
امروز ما به شما رجوع کرده و در مورد
مهم ترین نتایج دومین دیدار گروه هماهنگی
بین المللی (گ.ه.ب.) که در آلمان بین 18 -
20 آوریل 2014 برگزار شد شما را مطلع

می سازیم.
اولین کنفرانس بین المللی کارگران معدن
(ک.ب.ک.م.) در آرکوپیا / پرو کمی بیش
از یک سال پیش تشکیل شد.
دومین دیدار گروه هماهنگی بین المللی
تمرکزش را روی مفهوم کارهماهنگی بین
المللی کارگران معدن در مورد تشکیلات
بیشتر و در درجه اول تصمیم گیری در مورد
فعالیت‌های مشترک برپایه کنفرانس بین المللی
اول کارگران معدن خواهد گذاشت.
این دیدار بسیار موفقیت آمیز بود و ما
در مورد اساسی ترین وظایف و تصمیمات

بقیه در صفحه ۱۲

رابطه مکمل میلیتاریسم راس نظام با فاز فعلی جهانی گرائی سرمایه به ویژه در آفریقا

نظام جهانی (کشورهای سه سره امپریالیسم)
به ۵۰۰ شرکت فراملی می رسند، برای بقاء
و تامین هژمونی خود از دو وسیله که مکمل
و لازم و ملزوم همدیگر هستند، دائما استفاده
می کنند:

۱ - جهانی تر ساختن "بازار آزاد" نئولیبرالی
برای گسترش و بسط سرمایه مالی تر گشته
انحصارات پنجگانه در پنج قاره کره زمین.
۲ - کنترل نظامی کره زمین توسط راس
نظام جهانی و شرکایش (کشورهای ناتو و

محدود و معدود انحصارات است که در
نیم قرن اخیر از نیمه اول دهه ۱۹۷۰ به
این سو = آغاز شکلگیری و رشد بحران
ساختاری نظام جهانی سرمایه، با تجمع و
تمرکز بیش از پیش سرمایه، تلاش کرده اند
کنترل تصمیم گیری بر تمام امور اقتصادی
جهان را تقریبا در دست در اختیار خود قرار
دهند. این انحصارات و یا اولیگوپولی ها که
به نام "انحصارات پنجگانه" معروف گشته
و تعدادشان در درون بخش مسلط مرکزهای

- نظام جهانی سرمایه داری در فاز
فعلی جهانی گرائی (گسترش بازار آزاد
نئولیبرالی) به مرحله از تمرکز و تجمع
سرمایه رسیده که با شرایط حتی پنجاه سال
گذشته نظام قابل مقایسه نیست. البته کنترل
سرمایه توسط اولیگوپولی های عمومی تر
گشته به هیچ وجه و عنوانی تازگی نداشته
و یک پدیده جدید در تاریخ سرمایه داری
انحصاری (از ۱۸۸۵ به این سو)، نیست.
ولی آنچه که جدید و بی نظیر است تعداد

بقیه در صفحه ۱۳

به خدمت نظامی در آوردن مدارس دولتی در ایالات متحده

دبیرستان فاولر در بخش فقیر نشین غربی
را به تصویب رساند و تبدیل آن به آکادمی
رهبری خدمات عمومی (پی اس ال ای) شد،
که در آموزش دانشجویان در خدمات نظامی
گری تمرکز خواهد داد، که در اداره امنیت
ملی، یا به عنوان افسر پلیس یا آتش نشان
اشتغال یابند.

در ایالات متحده، ۱۸ آکادمی نظامی به
عنوان بخشی از سیستم مدارس دولتی وجود
دارد. تعداد شش تا از این مدارس در شهر



در ماه آوریل گذشته، مرکز آموزشی منطقه
ای سیراکیوس (اس سی اس دی) بسته شدن

اس تیو فلیس و دان بارت،
پنجم ژوئیه ۲۰۱۴

World Socialist Web site

در این پائیز سیراکیوز، نیویورک به لیست
هنوز هم کوچک، ولی در حال رشد مدارس
دولتی، که اختصاص داده شده به آموزش
دانش آموزان به منظور خدمت سربازی
در نیروهای مسلح ایالات متحده، خواهند
پیوست.

بقیه در صفحه ۱۲

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org